

۳۸ سال نبرد پیگیر در راه کسب استقلال ملی، آزادی و تامین خواست‌های زحمتکشان!

در صفحه ۳

مبارزه «مردم» همراه مردم در دفاع از انقلاب ادامه دارد

در ۲۹ مردادماه ۱۳۵۸، روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، بدستور دادستان سابق انقلاب مرکز توقیف شد. بدون کوچکترین دلیل. و این واقعه را حتی مخالفان سیاسی و ایدئولوژیک، ولی واقع بین و منصف حزب مانیز تأیید کردند. و همین واقعه تاسف و نگرانی عمیق و همدردی همه هواداران آزادی، همه وفاداران به انقلاب بزرگ مردم ایران را، صرف نظر از تفاوت‌های سیاسی و مسلکی، موجب گردید.

در واقع هم چه ایراد و اتهامی میتوان به «مردم» وارد ساخت؛ «مردم» که دهها سال با اصولیت، با قاطعیت و با پیگیری علیه امپریالیسم، ارتجاع و استبداد سلطنتی، بخاطر استقلال، آزادی و عدالت و در دفاع از زحمتکشان و محرومان مبارزه کرده، «مردم» که انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران و تشکیل جمهوری اسلامی ایران، برهبری امام خمینی، را تهنیت گفته و تأیید کرده و پس از سی سال انتشار مخفی - که به «جرم» همین مبارزه بوده - در دوران پس از پیروزی انقلاب بطور علنی انتشار یافته و به دفاع از دستاوردهای انقلاب پرداخته، در راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب کوشیده، از چهره ضدانقلاب - یعنی عوامل امپریالیسم، برکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و بازمندگان رژیم پهلوی - زیر ماسکهای «چسب» و راست پرده برداشته، از حقوق و منافع زحمتکشان و محرومان جامعه دفاع کرده، به انتقاد سازنده از نقائص دستگاههای اجرائی و تصمیم گیرنده پرداخته، پیشنهادهای سازنده برای غلبه بر مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دوران گذار ارائه داده و تمام نیروی خود را برای متحد ساختن نیروهای خلقی، نیروهای انقلابی و همه هواداران راستین استقلال و آزادی ایران بکار برده - آری، از موضع انقلابی، به این «مردم» چه ایراد و اتهامی میتوان وارد ساخت؛ هیچ!

بر اساس همین واقعه، خوشبختانه اینک از «مردم» رفع توقیف بعمل آمده و «مردم» میتواند پس از یک وقفه ناخواسته، به مبارزه انقلابی و اصولی خود، همراه مردم ایران، یعنی سرچشمه زندگی، دوام و قدرت «مردم»، در دفاع از انقلاب و تثبیت و تحکیم و گسترش آن ادامه دهد.

«مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، زبان کارگران و زحمتکشان و همه محرومان جامعه، ندای بخشی از وفادارترین نیروهای انقلاب ایران، صدای بخشی از پیگیرترین و اصولیترین نیروهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ایران است. همه کسانی که صادقانه و صمیمانه به انقلاب ایران وفادارند، همه علاقمندان صدیق استقلال، آزادی و عدالت، در دوران توقیف بدون دلیل «مردم»، بیش از گذشته درک کردند که انتشار «مردم» - سود انقلاب و عدم انتشار «مردم» - بزبان انقلاب است. بویژه در شرایط حساس و بی‌سابقه کنونی کشور ما، این واقعه بیش از گذشته درک شد.

اینک که «مردم» بار دیگر انتشار مییابد، از همه اعضاء، هواداران و دوستان حزب، از همه کسانی که، صرف نظر از عقاید سیاسی و مسلکی خود، از توقیف بدون دلیل «مردم» ابراز تاسف کرده و همبستگی خود را با «مردم» اعلام داشته‌اند، صمیمانه سپاسگزاریم و تجدید پیمان میکنیم که «مردم»، استوار و بی‌تزلزل، مانند همیشه، به مبارزه انقلابی و اصولی خود در دفاع از انقلاب ایران و برای تثبیت، تحکیم و گسترش آن ادامه خواهد داد.

ما مطمئن داریم که در این مبارزه مردم، مانند همیشه یار و پشتیبان «مردم» خواهند بود.

امام خمینی گفت:

زیر بار ظلم نروید و هشیارانه نقشه‌های شوم جهانخواران بین‌المللی را، که در رأس آنها امریکاست افشا کنید.
(از پیام امام به کنگره جهانی حج)

تبریک

هیئت تحریریه «مردم»، سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، رابهرقای حزبی، به هواداران و دوستان حزب صمیمانه تبریک میگوید. و موفقیت آنان را در مبارزه بخاطر پیشبرد مشی حزب، در راه تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران آرزو مند است.

نطق فیدل کاسترو در کنفرانس کشورهای غیر متعهد



رفیق فیدل کاسترو رهبر انقلابی خلق قهرمان کوبا، بنسوان رئیس ششمین کنفرانس کشور های غیر متعهد، که اخیراً در هاوانا، پایتخت کوبای سوسیالیستی تشکیل شد، نطق بسیار مهم و جالبی ایراد کرد. از آنجاکه متن کامل این نطق در هیچیک از جرائد ایران انتشار نیافت، ما بعزت اهمیت آن، ترجمه متن کامل نطق فیدل کاسترو را در چند شماره به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم. صفحه ۲



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۶
سه‌شنبه ۱۰ مهر ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۵ ریال

در باره مجلس خبرگان و مصوبات آن

مجلس خبرگان، عملاً از کار اصلی خود، که بحث پیرامون پیش‌نویس قانون اساسی منتشره در خرداد ۵۸ بود، بدور افتاده است. در قسمت عمده و اصولی موادی که تاکنون مورد بحث و تصویب قرار گرفته، زیر فشار یک گروه نیرومند، متن اولیه که بنظر مردم گذاشته شده بود، بکناری نهاده شده و مطالب و مواد بکلی تازه یا به حد قابل توجه تازه‌ای جانشین آن شده است.

مردم با متن اولیه آشنا شده بودند، پیرامون آن متن بحثها و اظهار نظرها در مقیاس کشوری سازمان یافت، و از آن مهتر، انتخابات مجلس خبرگان برای بحث پیرامون آن متن انجام گرفت، نه برای تهیه متن جدیدی، و اسم آنهم «مجلس بررسی پیش‌نویس قانون اساسی» بود، نه مجلس مؤسسان تدوین متن جدید قانون اساسی. این راه اضافه کنیم که مقامات سرشناس و موثری نظیر آقایان قطب زاده و بنی‌صدر، که به مرکز رهبری نزدیک‌اند و صاحب مسئولیتهای معینی نیز هستند، صراحتاً گفتند و تأکید کردند که شخص امام خمینی پیش‌نویس را مطالعه کرده و بی‌شک در مسائل فرعی، کلاً آن پیش‌نویس را مورد تأیید قرار داده‌اند. باین ترتیب عملاً نحوه کار مجلس خبرگان، که ترکش پیش‌نویس قبلی است، نه فقط میتواند همه گونه تردید و نگرانی بیافزیند، بلکه از نظر حقوقی نیز قانونیت ثمره کار نمایندگان رازیر علامت سؤال قراردهد.

بدرازا کشیدن کار مجلس خبرگان یکی از نتایج این کنار گذاشتن پیش‌نویس اولیه و تدوین عملی متن جدید است. مهمتر آن‌که، در این میان گروه نیرومندی در این مجلس، با این عوض کردنها و جایگزین کردنها، عملاً تلاش کرده و موفق هم شده است که تاکنون متنی را تهیه کند فاقد تئودر باره اساسی‌ترین موازین آزادیهای فردی و اجتماعی، یا بدون صراحت و وضاحت، بدون تضمین آزادیهای اساسی دموکراتیک، یا مبهم و کسدار، فارغ از تضمین جدی حقوق و منافع توده‌های زحمتکش دهقانان و کارگران زنان و اقلیتها و ملیتها، یا قابل تفسیر و تاویل.

نکات مثبت و شالوده‌های درست پیش‌نویس قانون اساسی خرداد ماه، که میتوانست پایه محکمی برای بهبود آن و تنظیم یک قانون اساسی مناسب و شایسته جمهوری اسلامی و درخورد انقلاب بزرگ مردم ایران باشد. زیر نام و بیهانه «اسلامی کردن قانون اساسی»، بتدریج و گام بگام بکناری نهاده شده و همشود و تنها بندرت و با استثناء برخی نکات مثبت باقی میماند، یا آشکارا تحریف نمیشود.

همه اینها خود نمونه‌ای از چرخش به راست در مجموعه سیاست داخلی کشور است که توسط یک گروه افراطی راست‌گرا تحمل شده، و در صورت ادامه، بدون تردید نتایج خطرناکی برای سر نوشت انقلاب به همراه خواهد داشت. شادروان طالقانی، مجاهد روشن بین و انقلابی پیگیر، خیلی زود و با نظر صائبی این مشی راستگرایانه را که بر مجلس خبرگان حاکم شده و پیش‌نویس قانون اساسی را در معرض تحریف و تغییر قرار داده است، دید و عدم شرکت فعالش در کارهای مجلس نشانی بود از نارضایتی و حقوق نگرانی جدی‌ای که این مجاهد کبیر داشت و توجه همکاران را به آن جلب میکرد.

خطر یک پیش‌نویس قانون اساسی را تهدید میکرد، از همان روزهای اول تشکیل مجلس خبرگان برملا شد. اول شهر یورد، بلافاصله پس از حمله به بسیاری از احزاب و گروههای سیاسی و بستن بسیاری از روزنامه‌ها و جراید، که خود نمونه بارز پیشبرد گرایش به راست بود، مسئله کنار گذاشتن طرح اولیه پیشنهادی به مردم، که وکالت نمایندگان برای بحث درباره آن و اعتبار نامه آنها تنها برای بررسی آن بود، مطرح شد. طی بحث معلوم شد که از روز سوم تشکیل مجلس عملاً طرح اولیه دارد کرده است. آقای اردبیلی در روز

بقیه در صفحه ۲

درباره مجلس خبرگان ومصوبات آن...

بقیه از صفحه ۱

چهارم (اول شهریور) گفت: «اما بالاخره آن متنی بود که در اختیار مردم گذاشته شده بود و در ایران منتشر شده بود و حتی بخارج برده شده بود و مراجع روی آن نظر داده اند، حالا بایم بگوئیم این حرفها درست نبوده. آقای فاتحی گفت: «نظر من هم اینست که همان متن منتشره مبنای قرار گیرد، زیرا هم آقایان و هم مردم نسبت به آن آشنائی بیشتری دارند.» آقای سبحانی گفت: «پیش نویس منتشره از چند مجرای بررسی و تصویب شده، این چیزی بود که به مردم داده شده و گفته شده است که مجلس باین پیش نویس رسیدگی میکند. بنا بر این انتظار جامعه اینست که باین پیش نویس رسیدگی شود.»

ولی در عمل این سخن به کرسی ننشست. در واقع نیز مجلس خبرگان با فاصله گرفتن از متن پیش نویس اولیه، که به بحث عمومی گذاشته شده بود، و خودمجلس خبرگان اصولاً برای بررسی آن و نه چیز دیگری برگزیده شده بود، مشروعیت خود، مقبولیت خود و قانونیت مصوبات خود را متزلزل ساخت. اصراًیکه توسط گروه نیرومندی هست تا نه فقط گروههای سیاسی، بلکه گروههای مذهبی نیز امکان مساوی برای بحث و اظهار نظر نداشته باشند، نوبت پیش آید روشنی نیست. خوف آن هست که تغییراتی که امروز وارد میشود، محدودیتهائی که امروز در نظر گرفته میشود، ضرباتی که امروز بر موازین اساسی آزادی و خواستهای مردم زحمتکش زده میشود، فردا زمینه ای برای دستداران قدرت نمائی و انحصارطلبی و وابستگیان به مراکز غارتگری سرمایه داری و وابسته امپریالیستی قرار گیرد.

هواداران راستین و پیگیر انقلاب بحق می پرسند که آیا فردا دیوار استبداد و آزادی کشتی بر خشتهای محدودی که امروز نهاده میشود، بالا نخواهد رفت؟ تمام خوف و تمام نگرانی از اینجا ناشی میشود، زیرا صحبت بر سر اساسی ترین سند جمهوری اسلامی، بر سر مهمترین گام در راه ایجاد نهادهای این نظام نوبی جای نظام پوسیده سلطنتی سرنگون شده است. این حرف و نگرانی را شخصیتهای مختلفی خاطر نشان ساخته اند که آخرینشان آقای دکتر بنی صدر است. وی در خود مجلس خبرگان اظهار داشت: «بند ریج که جلو میرویم، ظاهراً در افکار نسل جوان این مسئله تداعی میشود که نوعی استبداد قدیم بقدم در قانون اساسی پیشروی میکند. آن پیش نویس متن واضحی بود و شما اموری را اضافه کردید که «کش» دارد.

البته مسئله تنها اضافه کردن و کسب کردن مطلب نیست، بلکه گرایش افراطی صریحی است که با تعویض پیش نویس از موضع انحصارطلبانه و محدود کننده آزادیها، مهر خود را بر متن جدید میگذارد، چرخش آشکار به راست است که ثمرات انقلاب شکوهمند مردم ایران را زیر علامت سوال قرار میدهد. یک برخورد مشخص، اگر چه اجمالی، به مواد پیشنهادی در متن پیش نویس و به متن جدیدی که مجلس خبرگان تا کنون تصویب کرده نشان میدهد که نمیتوان ادعا کرد که متن جدید مصوبه درخور انتظاراتی است که از اساسی ترین سند قانونی جمهوری اسلامی ایران میروید، متنی است که شایسته انقلاب بزرگ مردم ایران است.

چند ماده اول، که در حکم اصول کلی است، نمونه ایست از طرز تلقی نادرستی که در زمینه «اسلامی بودن» جمهوری و چگونگی انعکاس این مسئله در قانون اساسی وجود دارد. در واقع مطالب جدید اضافه شده و تغییراتی که وارد شده، بنام «اسلامی کردن» نه فقط مواد متعلق و بیچیده ای را که تقریباً برای اکثریت مردم غیر قابل فهم است، عرضه داشته، بلکه دست به کاری زده است که از نظر بسیاری از ناظران مذهبی و فقها نه فقط نالایم، بلکه ناصواب است و آن اینکه کوشش شده احکام دینی و الهی را، که نه از بیسجیل قانونی ندارند و قدرت و نفوذشان در این نیست که بصورت قانون مدون شده باشند، در مواد مختلف پیاده کنند» و بقول یکی از خبرگان «تنزیل دهنده».

در ماده اول پیش نویس نوشته شده بود که حکومت، جمهوری اسلامی است که ملت ایران در پی انقلاب پیروز و زنده خود، در همه پرسای دهم و یازدهم فروردین، بآن رأی مثبت داده است. حالا نه فقط خبرگان لازم دیده اند پس از «ملت ایران»، عبارت «بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن» را اضافه کنند، که البته چیزی بر قدر و منزلت حق و قرآن نمیافزاید، بلکه فکر کرده اند که لابد اگر تاریخ هجری قمری، با عبارت «اول جمادی الاول سال ۱۳۹۹» راهم بآن بیافزایند، «اسلامی تر» خواهد شد. در حالیکه همان تاریخ شمسی ما دارای مبداء هجرت پیغمبر و بنا بر این اسلامی است و لزومی باین «اصلاح» که تنها در محافل روحانی آنرا میدانند و بکار میبرند، نبود، مگر آنکه تصور شود قانون اساسی نه برای تمام کشور و همه مردم، بلکه برای گروه ویژه روحانی تدوین میشود، که البته چنین نیست.

اصل دوم نیز در همان جهت بکلی تغییر کرده و کوشش شده است که اصول دین اسلام در یک ماده قانون ذکر شود و اضافه بآن، برداشت کلی از انسان و جامعه نیز در آن قید گردد. واضح است که نه چیه چرمان «تنزیل اصول دین»، که اصولاً جایز در قانون اساسی نیست. نمیتوانست باشد. فزون بر همه، در متن پیش نویس و حتی در متن بکلی تازه کمیسیون مجلس خبرگان نوشته شده بود، «جمهوری اسلامی نظامی است توحیدی بر پایه... ولی همین واژه «توحیدی»، باین عنوان و بهانه که مفهوم جامعه بی طبقه توحیدی را القاء میکند و گویا این مطلب با گفته کمونیستها درباره جامعه بی طبقه آینده مورد نظرشان تقارنی دارد، مورد بحث مفصل خبرگان قرار گرفت و سرانجام نیز در متن تصویب شده حذف و بجای آن نوشته شد: «جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به...» بیجهت نیست که بسیاری اندیشه پردازان اسلامی و معتقدان به مکتب تشیع علوی ناراضی خود را از این تغییر، که بعقیده آنها اصولی است و حدفاصلی است بین اسلام مترقی راستین با تعبیر کهنه و «صوفی» آن، ابراز داشته اند. بنظر بسیاری، با ذکر خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح باو و وحی الهی و معاد و عدل و امامت و غیره در این ماده، نه اسلام تقویت مییابد و نه قانون اساسی محتوی اسلامی پیدا می کند. نوشتن قانون در روح این یا آن مکتب یک چیز است و خلاصه کردن (و بنا بر این فقیر کردن و نزول دادن شالوده های مکتب) احکام و معتقدات مکتب در چند ماده و اصل چیز بکلی دیگری. از عبارات مبهم و کشدار و دوپهلوی نظیر «اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین»، آنچه در سندی چون قانون اساسی که باید بحد اعلا روشن و صریح و غیر قابل تفسیر باشد، نه کسی چیزی میفهمد و نه مسئله ای حل میشود.

در این اصل نه فقط واژه توحیدی را برداشتند و تمام متن را تغییر دادند، بلکه عبارت «بر پایه فرهنگ اصیل و بویا و انقلابی اسلام» را نیز از متن پیش نویس برداشتند. در حالیکه لاقول این جمله خط فاصلی میکشد بین آن اسلام راستینی که نقش انقلابی و پیشبرنده و تحول بخش داشت - از علی تا امام خمینی و طالقانی و شریعتی - و آن اسلام دروغین که مهر شرک داشت و ارتجاعی و کهنه گرا و مدافع زور و زور تو زیور بود، از معاویه تا واعظ السالطین. از زمان بنی امیه گرفته ناصفویه و قاجاریه و پهلوی و امروز.

محتوی ماده ۲، در ماده ۳ «اهداف» نامیده شده و ماده ۳ تازه ای که در پیش نویس قانون اساسی اصلاً وجود نداشت، برای نیل بدانها اضافه شده است. این ماده خود دارای ۱۶ بند است، و بمقتضای اغلب کسانی که در این مورد اظهار نظر کرده اند، وسایل نیل به هدف را، برخلاف قصد تدوین کنندگان، نشان نمیدهد، بلکه خود آنها هدفها و آرمانهای تازه ای را مطرح میکند که البته در آن میان نکات مثبت فراوانی وجود دارد، از طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب گرفته تا محور هر گونه خودکامگی و استبداد و انحصار طلبی، از رشد فضائل اخلاقی و مبارزه با فساد گرفته تا آموزش و پرورش رایگان، از تمهید آزادیهای سیاسی و اجتماعی گرفته تا مشارکت عامه مردم، از بی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه و رفع فقر و محرومیت گرفته تا تأمین حقوق همه جانبه افراد زن و مرد و تساوی حقوق در برابر قانون و غیره، با این مطالب، صرف نظر از بحث حقوقی، که آیا اینها وسیله هستند یا هدف، نمیتوان صد درصد موافق نبود، بشرط آنکه در مواد و اصول بعدی متنی که تهیه میشود، مطالب دیگری متقاضی با این مطالب وجود نداشت و واقفا هم راهها بر هر گونه خودکامگی و انحصار طلبی، از هر نوع و بهر بهانه ای، بسته میشد و زن و مرد واقفا در جامعه و خانواده، در تمام زمینه های سیاسی و اقتصادی و مدنی و اداری و اجتماعی برابر حقوق شناخته میشدند.

این بحث ادامه دارد

قطعه نامه کارگران شرکت فسان

ما کارگران شرکت فسان که پس از قیام طبقه گفته دولت و رهبری انقلاب خواهان بازگشت بکار بودیم با مقاصد و مقاصد بکار فرما رو برو شدیم. کار فرما همواره در فکر اخراج ما کارگران بوده است. ولی ما کارگران با مبارزه دست جمعی مان، بالاخره درهای شرکت را گشوده و بسر کارمان باز گشتیم، کار فرما دست به توطئه چینی زده، و از هر فرصتی برای عدم اشتغال ما و اخراج نمودن ما استفاده کرده است، ولی ما بحال ما توانستیم توطئه های او را نقش بر آب نماییم تا اینکه ما خواهان پرداخت حداقل دست مزدی که در وزارت کار به تصویب رسیده و بکارگاه بخشنامه شده است شدیم. کار فرما از این فرصت باز هم برای اخراج ما کارگران استفاده نمود، و ما به کلمه مقامات وزارت کار و کمیته ها مراجعه و خواهان رسیدگی بوضع ما شدیم ولی جواب قانع کننده ای بنا ندادند، از اینرو ما ناچاریم برای جلوگیری از اخراج گرفتن افزاینش حقوقمان دست به تحمیل بنظم و اعلام میهنانیم تا وقتی که بخواسته های ما که در ذیل خواهد آمد جواب داده نشود همچنان به تحمیل ادامه میدهیم.

۱- کار فرما به هیچ وجه حق اخراج ما کارگران را نداشته باشد، و همه کارگران را بسر کار بازگرداند و موظف باشد که برای آنها ساک تهیه نماید.

۲- کار فرما بایستی طبق بخشنامه وزارت کار حقوق ما را بپردازد، و در صورت افزایش هزینه موظف است متناسب با افزایش هزینه حقوق ما را افزایش دهد.

کارگران شرکت فسان ۱۳۵۸/۷/۳

نطق فیدل کاسترو در کنفرانس کشورهای غیر متعهد...

مایه مسرت و خشنودی ماست که احساسات برادرانه خود را نسبت به کشورهای که بتازگی به جنبش کشورهای غیر متعهد پیوسته اند و نخستین بار است در کنفرانس این جنبش حضور مییابند، ابراز داریم، این کشورها ایران و پاکستان هستند که پس از واژگونی رژیم سلطنت در ایران و خروج از پیمان نظامی ارتجاعی و تجاوز کارستو به جنبش ما پیوسته اند.

همچنین سوریه نام، بلیوی، کشور کوچک و دلیر گرنادا و خلق تسلیم ناپذیر نیکاراگوئه، که آثار مارش تاریخی رزمندگان قبرمان آن، که به میهن ساندینو آزادی بخشیدند و قاره آمریکای ما را پرافتخار و سر بلند کردند، هنوز در خاطره ها تازه است.

اتیوپی و افغانستان، با کیفیت انقلابی نوین خود، در جرگه ما هستند و جنبه میهن پرستان زیمبابوه، بعنوان عضو دارای حقوق کامل، در این مجمع حضور دارند، خانواده جنبش ما گسترش مییابد و این گسترش، چنانکه باید، گسترشی است کیفی. کشورهای جدیدی نیز بعنوان ناظر در این کنفرانس حضور دارند، فیلیپین، سنت لوسیا، دومینیک و کاستاریکا. در این کنفرانس نمایندگان بسیاری بعنوان میهمان شرکت دارند که از آنجمله برای نخستین بار اسپانیا. آخر موفق نشدند این کشور را به پیمان نظامی ناتو جلب کنند، پیوستن اسپانیا به این پیمان تنها می توانست آینده تابناک خلق فداکار اسپانیا را در معرض خطر جدی قرار دهد. خلق اسپانیا با خلقهای آمریکای ما پیوندهای تاریخی و فرهنگی استواری دارد. ما در اروپای صنعتی همه دوستانی که به مراد امپریالیسم بسته نشده باشند، نیاز داریم.

نمایندگان ۹۴ کشور و جنبش رهایی بخش در کنفرانس ما حضور دارند. کنفرانس ما پر نماینده ترین کنفرانسهایی است که این جنبش تا کنون داشته است و این امر برای کشور ما مایه افتخار و سر بلندی است.

تلاشهایی که برای جلوگیری از برگزازی ششمین کنفرانس جنبش کشورهای غیر متعهد در هاوانا بکار برده شد بیپوده از آب درآمدند. امپریالیستهای آمریکا و دوستان قدیمی و تازه آنان، یعنی دولت چین، کوشش کردند که این کنفرانس در کوبا تشکیل نشود. آنها در تلاشها و اقدامات بیشرمانه خود کار را بجایی رسانیدند که مدعی شدند که کوبا جنبش کشورهای غیر متعهد را به ابزار سیاست شوروی تبدیل میکند. ما اطلاع کامل داریم که ایالات متحده آمریکا سندنهایی کنفرانس تدوین شده از جانب کوبا را بدست آورده و از کانالهای دیپلماتیک تلاش فراوان بکاربرد تا این سند را تغییر دهد. در این مورد ما مدارک غیر قابل انکاری در اختیار داریم. سندی را که تهیه کرده بودیم، مدتها پیش از تشکیل کنفرانس برای کشورهای عضو جنبش فرستادیم و با پیشنهادها و ملاحظات فراوانی در جهت بهبود آن، بموقع دریافت کردیم. اما به ایالات متحده آمریکا چه کسی چنین حقی داده است که در امور کشورهای غیر متعهد مداخله کند و تلاش نماید نظریات خود را به آنان دیکته کند؟ یک چنین تعارضی از جانب ارتجاع دربر کوبا را چگونه میتوان توجیه کرد؟

کوبا هرگز آن کشوری نیست که در مواضع و روابط خود با امپریالیستها ابهام و تردید از خود نشان داده باشد. کوبا همواره و بطور پیگیر سیاست همبستگی نزدیک با جنبشهای رهایی بخش ملی و با هر اقدام عادلانه خلقها را اجرا کرده است. کوبا همواره بدون تزلزل، قاطعانه، جدی، با صداقت و سر بلندی و شجاعت از اصول سیاسی خود دفاع کرده و طی متجاوزان بیست سال موجودیت خود، لحظه ای هم از مبارزه علیه تجاوز و محاصره ای که مقتدرترین کشور امپریالیستی علیه آن اعمال میکند، باز نایستاده است. انگیزه این تجاوز کاری و محاصره آن است که کوبا در سرزمین خود، انقلاب واقعی سیاسی و اجتماعی در فاصله ۹۰ میلی از سواحل این کشور امپریالیستی انجام داده است.

درباره ارزش خلق انقلابی و سیاست قاطعانه کشوری که نمیتوان آنرا خرید، تسلیم و یا تهدید کرد میتوان از روی میزان خصومت و کینه ای که امپریالیستها نسبت به آن دارند، قضاوت کرد. در روابط بین المللی، ما همبستگی خود را نه با گفتار، بلکه با کردار به اثبات رسانده ایم و می رسانیم. در حال حاضر، کارشناسان کوبایی در ۲۸ کشور عضو جنبش غیر متعهد همکاری میکنند. این همکاریها بطور عمده، در زمینه های اقتصادی این کشورها و بلاعوض انجام میگیرند. با اینکه خود ما دارای مشکلاتی هستیم، بسیاری از فرزندان شریف و فداکار کوبایی هزاران میل دور از میهن، در جریان کمک و همکاری با جنبشهای رهایی بخش و در راه دفاع از مبارزات عادلانه دیگر خلقها به درجه شهادت رسیده اند. این جانبازیها تبلور درخشانی از صداقت، صمیمیت، روح همبستگی و آگاهی انترناسیونالیستی، یعنی آن کیفیاتی است که انقلاب ما به مردم کوبا ارزانی داشته است.

پس چه اتهامی به کوبا وارد است؟ این اتهام که کوبا کشور سوسیالیستی است؟ آری، ما کشور سوسیالیستی هستیم. اما ما سعی نداریم ایدئولوژی و نظام اجتماعی خود را به کسی تحمیل کنیم. نه در داخل جنبش غیر متعهدها نه در خارج از آن، و ما از اینکه سوسیالیستی هستیم یا اینکه در سرزمین خود یک انقلاب

بقیه در صفحه ۳

شماره اول ۱۳۵۸
دنیای
نشریه سیاسی و تئوریک
کمیته مرکزی
حزب توده ایران
منتشر شد

«مردم»
ارگان مرکزی
حزب توده ایران
نشانی: خیابان ۱۶ آذر،
شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۴۵۹
چاپ: کویان

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
بنامیت سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

سی و هشت سال نبرد پیگیر در راه بدست آوردن استقلال ملی، آزادی و تامین خواستهای زحمتکشان!

سی و هشت سال از زندگی پرتلاش حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران، گذشته است و سی و نهمین سال این زندگی، با همان تلاش و پیگیری و تزلزل ناپذیری، در شرایط بسیار بغرنج آغاز میگردد. پس از سی سال محرومیت از فعالیت آزاد و تحمل جنایت بارترین ضربات از طرف رژیم وابسته ضد خلقی محمدرضا پهلوی، امسال حزب ما سی و هشتمین سالگرد تأسیس خود را در شرایط پرتلاطم و بغرنج نخستین سال پیروزی انقلاب تاریخی ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی میهن عزیز ما ایران، جشن میگیرد.

حزب ما در مسیر این دوران دراز تاریخی با اینکه در نبردهای نابرابر با دشمن، ناکامیها و شکستهای دردناکی را تحمل کرده، معذالک میتواند با سربلندی کارنامه ای پر از ایثار و فداکاری در مبارزه علیه امپریالیسم و استبداد عرضه کند.

حزب ما تنها حزبی است که طی نزدیک به چهل سال از پرتلاطم ترین دورانهای تاریخ کشورمان، طوفانها و سیل های مہیبی را از سر گذرانده، ولی به برکت راه درستی که در پیش گرفته، بدون تزلزل بر روی بنیادهای اصولی خود، پایرجا و استوار باقیمانده و راه پرنفخ ولی افتخار آمیز خود را دنبال کرده است.

دشمنان اصلی و واقعی مردم میهن ما، یعنی امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، وارتجاع وابسته به آنان، یعنی سرمایه داران بزرگ و وابسته زمین داران کلان، غارتگران و درراس آنها خاندان فئودالی، از همان نخستین روز پیدایش حزب ما، آنرا درست شناختند و بی بردند که این حزب پیگیر ترین و روشن بین ترین سازمان سیاسی دشمن آنها و آشتی ناپذیر ترین مدافع منافع ملی و خواستهای توده های میلیونی زحمتکشان شهر و روستا و حقوق ملی همه خلقهای ایران است، که در راه رسیدن به هدفهای خود، یعنی کسب استقلال ملی و آزادی و تامین خواستهای یقین توده ها و خلقهای محروم، از هیچ فداکاری فروگذار نخواهد کرد.

درست به علت همین ماهیت و خصالت، حزب ما بیش از هر سازمان سیاسی دیگر مورد کینه محمدرضا پهلوی و رژیم جنایتکارش قرار داشت. محمدرضا پهلوی و پشتیبانان امپریالیستی اش خوب میدانستند که برای درهم شکستن مقاومت همه نیروهای ملی مخالف خود، باید پیش از همه سنگر حزب توده ایران را درهم شکست.

تصادفی نیست که هیئت حاکمه خائن رژیم منحوس سلطنتی محمدرضا پهلوی، در تمام دوران موجودیتش، هر بار خواست به مردم ایران خیانت کند، تدارک این خیانت را با حمله ای برای درهم شکستن مقاوم ترین سنگر خلق یعنی حزب توده ایران آغاز میکرد.

درست بر پایه همین اصولیت و پایداری است که حزب ما همواره مورد کینه گروههای سازشکار و انحصار طلب قرار داشته است، زیرا آنها خوب دریافته اند که نیروی افشاکنده حزب ما، نقاب ریا و تزویر و مردم فریبی را از هم میدرد و چهره زشت فریبکاران سیاسی را عریان میسازد. باین ترتیب تصادفی نیست که این گروهها هم حزب ما را نخستین آماج حملات دشمنانه و کینه توزانه خود قرار میدهند و از هیچگونه اتهام و افترای ناجوانمردانه ای برای بی اعتبار کردن حیثیت مبارزان توده ای، که روشن بینی سیاسی و اراده راسخ برای دفاع از منافع ملی و آزادی و حقوق زحمتکشان، یگانه ثروت آنها در زندگی است فروگذار نمیکنند.

حزب توده ایران افتخار میکند که در تمام دوران موجودیت خود پرحمدار مبارزه علیه فاشیسم هیتلری، علیه امپریالیسم غارتگر انگلیس، علیه امپریالیسم تازه نفس و متجاوز امریکا بوده و در مراحل از این دوران، به تنهایی سنگر مقاومت علیه دشمنان خلق و زحمتکشان میهنمان را نگهداری کرده و این پرچم را درست ترین

شرایط افراشته نگه داشته است. مبارزه بی امان دشمنان ملی ما، یعنی امپریالیسم و رژیم محمدرضا پهلوی، علیه حزب ما، تنها از راه تهمت و افتراء، ضرب و جرح، بازداشت و شکنجه و اعدام نبود. این دشمنان خوب میدانستند - و تجربیات شبیه در کشورهای دیگر جهان و در خود میهن ما به آنها آموخته بود - که با وجود توسل به همه این شیوه ها، نمیتوان حزبی را که در درون خلقهای میهن ما، در درون طبقات زحمتکش آن ریشه دارد و از حقوق آنها دفاع میکند، از بین برد و ریشه کن ساخت. از اینرو، آنها از همان آغاز تأسیس حزب ما، بموازات توسل همه جانبه به شیوه های یاد شده در بالا، شیوه موزیانه و خرابکارانه متلاشی ساختن حزب از درون رانین، بعنوان یکی از شیوه های اساسی مبارزه خود علیه حزب ما، بکار بردند. دشمنان حزب همیشه کوشیده اند تا با کمک عناصری که آگاهانه یا بدون آگاهی سازمان مافروستاده اند و با کمک نیمه راهان و وازدگانی که به آمال و آرزوهای خودخواهانه خود نرسیده و نتوانسته بودند حزب را بعنوان نردبان ترقی خود مورد بهره گیری قرار دهند، حزب توده ایران را از درون منقح سازند.

تاریخ نزدیک به چهل سال زندگی پرنفخ، ولی پرافتخار حزب ما ثابت کرد که این دشمن زهر آلود دشمن، هر قدر هم ماهرانه بکار برده شود، بر بدن روئین تن حزب ما کاری نیست و آنرا از یاد رمی آورد. مبارزه ایدئولوژیک حزب ما علیه انحرافات راست و چپ، و در دفاع از یگانگی جهان بینی انقلابی و علمی خود یکی از صفحات درخشان تاریخ حزب توده ایران است. حزب ما پس از هر توطئه، هر خیانت، هر انحراف نیرومندتر از گذشته برپا ایستاد، زخمه را درمان کرد و بهبود بخشید و راه دشوار خود را ادامه داد.

خدمت تاریخی حزب توده ایران تنها در این نیست که دشمنان ملی ما را به روشن ترین وجهی به مردم شناساند و آنان را برای مبارزه علیه این دشمنان تجهیز کرد، بلکه در این هم هست که دوستان واقعی مبارزات ملی و خلقی مردم ایران را رانین شناخت و به مردم شناساند.

یکی از مهمترین افتخارات حزب توده ایران اینست که طی نزدیک به چهل سال به بهترین و عالیترین شکل اصل میهن دوستی راستین را با اصل همبستگی و دوستی با همه خلقهای محروم و مبارز جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع تلقیق کرد و این پرچم راحتی یک لحظه هم بر زمین نگذاشت. حزب توده ایران بموازات تلاش خستگی ناپذیر خود برای تجهیز نیروهای ملی و اتحاد و همکاری آنان در نبرد با دشمنان اصلی خود، یعنی امپریالیسم جهانی و فرزندانش نامیمونش، صهیونیسم و رژیمهای غارتگر و جنایتکار وابسته به امپریالیسم در ایران و کشورهای استعمارزده دیگر، همواره به مردم ایران آگاهی داد که مبارزه آنها در راه بدست آوردن استقلال ملی، آزادی و زندگی بهتر، با مبارزه همه خلقهای محروم جهان علیه دشمنان مشترک، یعنی امپریالیسم و ارتجاع خودی مبارزه همه زحمتکشان برای برانداختن تسلط غارتگرانه سرمایه داری امپریالیستی، مبارزه همه خلقهای آزاد شده از قید امپریالیسم و استثمار، و در پیشاپیش آنان مبارزه کشورهای سوسیالیستی علیه امپریالیسم جهانی، پیوند ناگسستنی دارد. حزب ما همیشه و بدون تزلزل از این مبارزات، در هر گوشه جهان که بود، بیدریغ پشتیبانی

کرد و نشان داد که پیروزی آنان بخشی از پیروزی خلق، علیه دشمنان اوست و مبارزه او را آسانتر میسازد.

ما با سربلندی امروز شاهد آن هستیم که پیگیری حزب ما در این موضع گیری درست، هر روز بار آورتر می شود و بخشهای جدیدی از نیروهای راستین انقلابی ایران، چه از میان آن گردانهای که زیر پرچم اسلام مبارزه میکنند و چه آنهایی که خود را هوادار سوسیالیسم علمی میدانند، گام بگام و هر روز بار آورتر بینی بیشتری به درستی مشی ما می بینند.

یکی از مهمترین خدمات حزب ما اینست که همواره و با اعتقادی تزلزل ناپذیر از لزوم تجهیز توده های میلیونی برای نبرد علیه امپریالیسم و ارتجاع و اتحاد این توده های میلیونی و سازمانهای سیاسی که خود را نماینده و مدافع منافع این توده ها میدانند، دفاع کرده و آنرا شرط اصلی برای پیروزی دانسته است. حزب ما از همان اولین روزهای موجودیت خود تا کنون، همواره مدافع اتحاد نیروهای ملی در مبارزه علیه دشمن مشترک بوده و بویژه روی لزوم همکاری تاریخی نیروهای که زیر پرچم مبارزه برای استقلال ملی، میکنند با نیروهای که با جهان بینی های دیگر، در راه رسیدن به همین هدفها یاد میدهند نبرد اجتماعی گذرانده اند. نه تنها برای یک دوران کوتاه مدت، بلکه برای آینده دراز مدت تکیه کرده است.

بر اساس اعتقاد بر همین اصل است که حزب ما از همان آغاز مبارزه نیروهای خلقی، زیر رهبری امام خمینی، بطور پیگیر برای همکاری با این نیروها و همه گردانهای دیگر مبارزان راستین ضد امپریالیسم و رژیم پهلوی تلاش کرده است.

حزب توده ایران اتحاد این نیروهای خلق را نیرومندترین سرچشمه پیروزی علیه دشمنان میدانند و همواره علیرغم همه برخورد های غیردوستانه و ناعادلانه، دست خود را برای این اتحاد دراز کرده است.

انقلاب پیروزمند تاریخی مادرستی و ضرورت تاریخی این اتحاد را نشان داده و از هم پاشیدگی که در ماههای اخیر در صفوف نیروهای انقلابی خلق پدیدار شده، خطر ضعف و از بین رفتن این اتحاد را به گویاترین وجهی در مقابل چشم میهن دوستان گذاشته است. دشمنان سوگند خورده استقلال و آزادی ما، یعنی امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیستها و بازماندگان رژیم سرنگون شده محمدرضا پهلوی، با تمام قوا میکوشند سرچشمه بر توان نیروی جبهه خلق را خشک کنند، گردانهای گوناگون جنبش خلق را بجان هم اندازند، میان آنان تخم تفاق و دشمنی بیفشانند، آتش جنگ برادر کشی را برافروزند، از تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب تاریخی ماجلو گیری کنند، موجبات عدم رضایت توده ها را فراهم کنند و بدینسان زمینه را برای باز پس گرفتن مواضع غارتگری که از دست داده اند، آماده سازند.

هموطنان! رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب!

حزب توده ایران آغاز سی و نهمین سال تأسیس خود را در شرایط بسیار بغرنج سیاسی جشن میگیرد. این جشن در شرایطی است که از یکسو انقلاب ایران با شرکت وسیعترین اقشار مردم از همه خلقها و از همه طبقات و اقشار ملی به دستاوردهای عظیم و شکست انگیزی نائل آمده و با این پیروزی تاریخی تحسین و احترام همه مبارزان راه استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی را در سراسر جهان بدست آورده است. مردم میهن ما میتوانند بخود بیاند که با پیروزی در این انقلاب تاریخی و دستاوردهای خود در همین ۸ ماهی که از پیروزی انقلاب گذشته است، ضربات سنگینی بر پیگیر منفور دشمنان ملی یعنی امپریالیسم و ارتجاع، وارد ساخته اند.

ولی از سوسی دیگر اکنون شاهد آن هستیم که به علت ضعف بهم پیوستگی نیروهای انقلابی و دسیسه های دشمنان ناپاک، که در تمام سطوح دست بکارند، این دستاوردها مورد تهدید جدی قرار گرفته اند.

نیروهای انحصار طلب راست، باشمارهای مردم فریب و گمراه کننده، ولی در واقع به منظور محدود کردن دستاوردهای انقلاب در چهارچوب منافع طبقاتی و اعتقادات سیاسی - اجتماعی خود از یکسو و نیروهای کم تجربه افراطی چپ، با برخی برخورد های نادرست و غیر واقع بینانه آب به آسیاب ضد انقلاب میریزند و راه را برای پیشرفت آن هموار میسازند.

حزب توده ایران سی و نهمین سال زندگی خود را با دنبال کردن همان راهی که همیشه در پیش داشته، یعنی راه روشن کردن، تجهیز و تشکل توده های زحمتکش، راه اتحاد و همکاری با همه نیروهای راستین ملی و خلقی در مبارزه برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب، راه دوستی و بهم پیوستگی همه خلقهای ساکن ایران در چهارچوب دفاع از تمامیت ارضی، استقلال و آزادی ایران، راه بهبود بنیادی شرایط زندگی زحمتکشان میهن ما، راه همکاری و اتحاد با همه سازمانهای سیاسی که به این هدفها وفادار باشند - برای تشکیل «جبهه متحد خلق» - ادامه خواهد داد.

رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب!

سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را از صمیم دل به شما بادش میگوئیم و علیرغم همه دشمنی ها، تهمت ها و افتراء، همراه شما، با سربلندی به تاریخ پرنفخ، ولی افتخار آمیز حزبمان میگریم و تجدید پیمان میکنیم که حزب ما به آرمانهای خود وفادار خواهد ماند و از هیچ تلاشی برای رسیدن به آمال انسانی، ملی و توده ای خود فروگذار نخواهد کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دنباله نطق رفیق فیدل کاسترو در کنفرانس غیر متعهدها...

من ایمان دارم و بارها این مطلب را بیان کرده ام که اگر قدرت و نفوذی که اکنون کشورهای جامعه سوسیالیستی در جهان دارند، وجود نداشت، امپریالیسم که زیر منگنه بحران اقتصادی قرار گرفته و دچار کمبود مواد خام گردیده است، بدون تزلزل به تقسیم مجدد جهان میپرداخت.

امپریالیسم چندین بار به این کار دست زده است. حتی حالا هم به جنگ تهدید میکند و نیروهای ویژه مداخله نظامی تشکیل میدهد، که آماج حمله آنها کشورهای صادرکننده نفت هستند.

ما بر حسب اعتقادات خود ضد امپریالیسم، ضد استعمار، ضد نواستعمار، ضد نژادپرستی، ضد صهیونیسم و ضد فاشیسم هستیم. این اصول جزء اصول اندیشه ای ما هستند و در واقع این اصول از نخستین روز پیدایش جنبش کشورهای غیر متعهد، منشأ و تاریخ آنها تشکیل میدهند. این اصول همچنین با زندگی و تاریخ خلقهایی که ما به نمایندگی از جانب آنها در اینجا حضور داریم، پیوند ناگسستنی دارند.

هر روز تعداد بیشتری از کشورها و خلقها به جنبش ما میپیوندند. خلقهایی که زنجیر اسارت و ستم امپریالیسم، استعمار و نو استعمار را پاره میکنند و راهی مییابند. اما امپریالیسم تلاشهای مصرانه ای بکار میبرد تا خلقها و کشورها را همچنان در زیر اسارت نواستعماری و اشغال خود نگه دارد. این امر پشتیبانی قاطعانه ما را از مبارزات این خلقها میطلبد. ادامه دارد

رادیو کالانجام داده ایم، بهیچوجه شرمند نیستیم آری ما انقلابیون رادیو کالی هستیم. اما قصد نداریم رادیو کالیزم خود را یکسوی و بطریق اولی به کشورهای عضو جنبش غیر متعهدها تحویل کنیم. ما با کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی روابط برادری داریم. ما قلبا از اتحاد شوروی سپاسگزاریم، زیرا کمک و همکاریهای سخاوتمندانه آن، به کوبا امکان ادامه حیات داد، امکان داد که در بغرنجترین و دشوارترین دوران زندگی مردم ما، پیروز شویم، دورانی که خطر نابودی ما را تهدید میکرد. ما سپاسگزار انقلاب پرافتخار اکبر هستیم، زیرا این انقلاب در تاریخ بشریت دوران نرینی را گشود، شکست و نابودی فاشیسم را امکان پذیر نمود و رجهای شرایطی پدید آورد که، توم با مبارزات جانبازانه خلقها، موجب تلاشی سیستم منور استعمار گردید. ندیدن این واقعیت بمنزله ندیدن تاریخ است.

و نه تنها کوبا، ویتنام که قربانی تجاوز بود، کشورهای عربی، مستعمرات پیشین پرتغال، حرکات انقلابی در بسیاری از کشورهای جهان، جنبش رهایی بخش علیه اسارت، نژادپرستی، صهیونیسم، فاشیسم در جمهوری آفریقای جنوبی، درنایی، در زیمبابوه، در فلسطین و دیگر نواحی جهان، عمیقاً مرهون همبستگیهای کشورهای سوسیالیستی هستند. از خود سؤال کنیم: آیا ایالات متحده آمریکا و یا کشور دیگری از اعضای پیمان ناتو حتی یک بار به یکی از جنبشهای رهایی بخش در مناطق مختلف جهان یاری کرده اند؟

اسناد حزبی

دوره‌ان توقیف بدون دلیل «مردم»، از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران نامه‌ها، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های متعددی بمناسبت رویدادهای گوناگون انتشار یافت. از آنجاکه این اسناد، بعلمت محدودیت‌های موجود، در دسترس همه علاقمندان قرار نگرفته است، «مردم» بار دیگر این اسناد را، برحسب تاریخ انتشار، بچاپ میرساند تا همگان از آن اطلاع یابند.

بوسیله جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر به هیئت دولت موقت جمهوری اسلامی

حزب توده ایران در فرماندوم برای جمهوری اسلامی با موضوع مکتوبی مثبت شرکت جست و همواره در راه وحدت نیروهای انقلاب و تقویت رهبری امام خمینی گام برداشته است. حزب توده ایران همواره هوادار پیکر و بدون تزلزل تمام‌اندیشی و تمرکز قدرت دولتی در ایران بوده و هست، در عین اینکه معتقد است که در این چهارچوب باید به محوریت‌های ملی خلق‌های غیر فارسی در کشور از راه‌های مسالمت‌آمیز پایان داده شود، چیزی که برای وحدت ملی ما بسیار ضروری است.

حزب توده ایران عقیده دارد که در مرحله کنونی مبارزه برای ریشه‌کن ساختن تسلط امپریالیسم و استعمار فاشیست و خنثی نمودن دسیسه‌های امپریالیسم و صهیونیسم و بازماندگان رژیم شاه، بازسازی هر چه سرزمین اقتصادی کشور اهمیت درجه اول دارد و باید همه نیروها برای این بازسازی تجهیز گردد.

حزب توده ایران راعنوائی امام خمینی را برای جهاد سازندگی و کمک به محرومین جامعه استقبال کرده و همه نیروی خود را برای شرکت در این جهاد بسیج کرده است.

اینست واقیبات روشن سیاسی حزب ما و روزنامه مردم و برپایه این واقیبات است که ما از تصمیم دادستان انقلاب در حیرت هستیم، ما در بنیانهای رسمی خود و همچنین در مذاکرات شفاهی با مسئولین کشور همواره اطمینان داده‌ایم که این موضوعی اصولی و بدون تزلزل است.

ما اطمینان داریم که روش متین و سازنده حزب ما و روزنامه مردم مورد تأیید خود هیئت وزیران است.

مامصرانه از دولت موقت جمهوری اسلامی خواستاریم که همه نفوذ خود را برای رفع سوء تفاهاتی که موجب تصمیم دادستان انقلاب شده است، بکار اندازد و هر چه زودتر به تصمیمات انجام یافته پایان داده شود و به حزب توده ایران امکان داده شود که به فعالیت مثبت و سازنده خود در جریان گسترش انقلاب ادامه دهد.

باتقدیم احترامات

کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول - نورالدین کیانوری
۳۰ مردادماه ۱۳۵۸

آقایان محترم! بطوریکه مسلماً اطلاع یافته‌اید، روزدوشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۵۸، از طرف دادستان انقلاب اسلامی تهران، طی اعلامیه‌ای توقیف روزنامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، اعلام گردید. در استدلال برای توقیف روزنامه مردم آمده است:

«برای جلوگیری از تحریکات سوء و پیش مطالب بی‌ثباتی از حد، که موجب تشویش اذهان عمومی و توطئه علیه جمهوری اسلامی و خلل در نظم...»

برای ما واقعاً تعجب آور است که به روزنامه مردم چنین اتهامات ناروایی از طرف یک مقام آقدر مسئولیت‌دار وارد می‌آید. اطمینان داریم که شما آقایان، مانند همه مردم ایران، کاملاً واقفید که حزب توده ایران نزدیک به ۳۸ سال است که با تمام نیروی خود، بافداکاری و دادن تلفات بیشمار و تحمل انواع محرومیت‌ها، علیه دشمنان داخلی و خارجی ملت و میهنمان، یعنی امپریالیست‌ها و ارتجاع سیاه سلسله پهلوی، و در ۷ ماه اخیر، علیه بازماندگان رژیم و عمال امپریالیسم امریکای صهیونیسم مبارزه کرده است و در این مبارزه حتی لحظه‌ای بازناستاده است.

در جریان تدارک و انجام انقلاب تاریخی مردم ایران، حزب توده ایران باروشنی و بدون تزلزل، دوش بدوش همه نیروهای ملی و آزادیخواه، که زیر پرچم اسلام به میدان مبارزه گام گذاشته بودند، علیه دشمن مشترک، یعنی رژیم شاه متغور و حامیان امریکائی صهیونیستی اش جنگیده و همواره از رهبری قاطع امام خمینی بر جنبش انقلابی ایران پشتیبانی کرده و کوشیده است که نقاب از چهره زشت عمال ضدانقلاب و منافقین و تفرقه‌اندازان بردارد.

همه بیانیه‌ها، نامه‌های سرگشاده و موضوعی‌های سیاسی حزب توده ایران، که در ۵۵ شماره روزنامه مردم پس از انقلاب پیروز شدند به من ماه انتشار یافته، گواهی این روش سازنده و همگام با انقلاب ایران هستند.

حتی یکبار هم از طرف مقامات مسئول، یک ایراد، که نشانی از اتهامات وارده از طرف دادستان انقلاب تهران داشته باشد، وارد نشده است.

حزب ما و روزنامه مردم همواره کوشیده‌اند از هر گونه شایعه‌سازی دوری کنند. در هیچ جریان و یا تظاهرات تحریک‌آمیز شرکت نکرده و از آن پشتیبانی نکرده‌اند.

نامه

سرگشاده

کمیته مرکزی

حزب توده

ایران

به شورای انقلاب اسلامی ایران،
به دولت موقت جمهوری اسلامی،
به کمیته مرکزی انقلاب اسلامی ایران
آقایان محترم!

چنانکه مسلماً به استحضارتان رسیده است، روز ۲۹ مرداد ۱۳۵۸، دادستانی انقلاب مرکزی، روزنامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، را توقیف و پاسداران کمیته مرکزی انقلاب نه تنها محل روزنامه مردم، بلکه مجموعه دبیرخانه مرکزی حزب توده ایران و مرکز «شرکت سهامی نشریات توده» را همروموم کرده و به این ترتیب امکان فعالیت حزب ما را، که تازه پس از ۳۰ سال محرومیت، باروشی سازنده و متین، زندگی سیاسی قانونی خود را باز یافته بود، شدیداً محدود ساخته است. اخباری که از شهرستانها میرسد حاکیست

که، در اکثر شهرهای ایران، یعنی تقریباً در هر جا که مرکز حزب توده ایران و یادداشت انتشار روزنامه مردم و یا دفاتر سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران وجود داشته است، به وسیله گروه‌های تحریک شده و بدون مسئولیت مورد هجوم و تخریب و در بعضی موارد کتاب‌سوزی و آتش‌سوزی قرار گرفته‌اند و بسیاری از افراد حزب توده ایران هیچگونه امنیت جانی ندارند.

در بوشهر، اسفهان، رشت، تبریز و... این رویدادهای ناگوار زیا نه‌ای بسیاری به حزب وارد ساخته است. در کرمانشاه این هجوم نتایج وحشتناکی ببار آورده است. دو نفر از افراد حزب توده ایران، که مطلقاً هیچ گونه تماس و همکاری با جریانات موجود در کردستان نداشته‌اند، در منزلشان بازداشت شده و پس از یک ساعت، بدون کوچکترین دلیل، تیرباران شده‌اند. این حکم آنقدر غیرعادلانه بود که حتی بسیاری از مسئولین شهر را، که این افراد را بعنوان عناصر پاکدامن، شریف و مین پرست میشناخته‌اند، دچار حیرت کرده است.

تعجب ما از این جهت است که طی نزدیک به هفت ماه که از انقلاب ایران میگذرد، حزب توده ایران، همواره با باروش متین و واقع بین خود، در جهت سمت‌گیری انقلاب گام برداشته است. عناصر عمده این سمت‌گیری، آنطور که از طرف امام خمینی در رهنمودها و وعده‌هایشان برای سیاست جمهوری اسلامی داده شده بود، عبارت بودند از: اتحاد همه نیروها در مبارزه آشتی ناپذیر برای پایان دادن به تسلط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی امپریالیست‌ها و در درجه اول امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین‌المللی، در مبارزه به خاطر ریشه‌کن کردن بقایای رژیم متغور سلطنتی، در مبارزه برای تأمین آزادی برای نیروهای گوناگون ملی و میهن پرست، در مبارزه برای برانداختن فاشیسم و برحمانه چهار لکران وابسته به رژیم شاه و امپریالیست‌ها و بهبود بنیادی شرایط زندگی زحمتکشان شهر و روستا، برای برابری حقوق همه افراد و همه اقوام و اقلیت‌های ملی و مذهبی در چهارچوب ایرانی واحد و مستقل و متحد و آزاد.

تمامی فعالیت حزب توده ایران در نزدیک به ۷ ماهی که از انقلاب گذشته است، شاهد این واقیبات انکارناپذیر است که حزب ما با پیکری و بدون تزلزل و بدون کوچکترین انحراف در این سمت‌گیری گام برداشته است. بیانیه‌ها، نامه‌های سرگشاده، مقالات روزنامه مردم و سایر نشریات حزب ما شاهد این ادعای ما هستند. حزب توده ایران کوشیده است که با انتقاد سازنده کمبودهای کار اجرائی را نشان دهد. با زیاده‌روی‌های افراطی از جنبه «وازیست مبارزه‌نماید، قیافه زشت ضدانقلاب و نفاق‌اندازان وابسته به آن را نشان دهد، مردم را از افتادن به دام دسیسه‌های رنگارنگ ضدانقلاب بر حذر دارد، در جهاد سازندگی فعالانه شرکت جوید و در چهارچوب طرز اندیشه و جهان بینی خود، راعنوائی‌های امام خمینی را در همه زمینه‌های یادشده در بالا، در زندگی روزمره پیاده نماید.

به این ترتیب حتی در یک مورد هم نمیتوان به حزب توده ایران ایراد گرفت که از آزادی‌های داده شده، سوءاستفاده کرده و یاد در جهت تحریک و تشویش اذهان و تضعیف جمهوری اسلامی عمل کرده است.

تمام فعالیت سیاسی و اجتماعی حزب توده ایران و همه سازمان‌های وابسته به آن، درست در جهت معکوس این اتهامات بوده و هست. حزب ما با تمام نیروی خود تنها در جهت تشبیه و گسترش دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران مبارزه کرده و میکند و درست به همین جهت است که در تمام دوران تسلط رژیم متغور پهلوی مورد شدیدترین کینه و بغض آن رژیم قرار داشته و درست ۳۰ سال از امکان فعالیت قانونی محروم بوده است.

آقایان محترم!

برپایه همین واقیبات است که ما به خود اجازه نمیدهیم از شما مصرانه بخواهیم وعده‌هایی که درباره تأمین آزادی اندیشه و فعالیت سیاسی در چهارچوب تشبیه و تقویت جمهوری اسلامی داده‌اید، عمل کنید و به تفسیقاتی که نسبت به فعالیت حزب توده ایران معمول می‌گردد، پایان دهید و از روزنامه مردم رفع توقیف به عمل آورید.

آزادی فعالیت سیاسی حزب توده ایران با سیاست انقلابی و سازنده‌اش مسلماً موجب تحکیم اتحاد نیروهای ملی برای رسیدن به هدف‌هایی است که انقلاب تاریخی میهن ما در برابر خود قرار داده است.

باتقدیم احترامات

کمیته مرکزی
حزب توده ایران
دبیر اول:
نورالدین کیانوری

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت سالگرد ۱۷ شهریور- جمعه خونین

هموطنان عزیز!

یک سال از جمعه خونین می‌گذرد. این روز در تاریخ مردم ایران، در تاریخ جنبش انقلابی ایران فراخوش نشدنی است. این روز تاریخی چهره‌های گوناگونی دارد. این روز بهانگی جنایت‌بار ترس و اکسش رژیم ددمنش پهلوی در برابر خلقی است که با دست خالی برای استقلال و آزادی خود رزمیده. این روز نم‌ودار قهرمانی خلقی است که چون تن واحد برای سرنگون ساختن رژیم دست نشانده پهلوی بیکار کرده. در این روز کشتار جمعی، در این روز شهادت خلقی، مبارزان راه استقلال، آزادی، عدالت، شرافت و ترقی در برابر عاملان وابستگی، اسارت، ظلم، فساد و عقب‌ماندگی قرار گرفتند. این زور آزمائی بهای جان هزاران نگران‌ترین فرزندان خلقی تمام شد، ولی در همان لحظاتی که بیکار آزادگان در زیر رگبار گلوله اسارتگران دردم میشکست، تاریخ حکم بهروزی خلق و شهیدانش، حکم شکست دشمنان خلق و درخشانیش را صادر کرد. و دیری نگذشت که انقلاب بزرگ مردم ایران، بر رهبری امام خمینی، بر این حکم صحه گذاشت. درود بی‌پایان بر زنان و مردانی که خون خود را وثیقه این حکم تاریخی قرار دادند!

هموطنان عزیز!

فرزندان دلبر میهن ما، در جمعه خونین روزهای نظرس برای آن بخاک و خون غلطیدند، همه زنان و مردان میهن پرست و آزاده ما برای آن رزمیدند که میخواستند رژیم دست نشانده، خائن، ظالم و فاسد پهلوی سرنگون شود، سلطه امپریالیسم، بر سر کردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع، از میهن ما ریشه کن گردد، دست سرمایه‌داران بزرگ وابسته و مالکان بزرگ از غارت ثروت ملی و نتیجه دسترنج مردم زحمتکش ما کوتاه شود و مردم میهن ما، پس از این همه ظلمی که بر آنها رفته است، از استقلال و آزادی و عدالت و رفاه و ترقی برخوردار گردند. و اینک، در زمانی که سالگرد جمعه خونین را بسر گزار میکنیم، بار دیگر در برابر یکی از حساس ترین، بفرنج ترین و پر مسئولیت ترین لحظات تاریخ خود قرار گرفته‌ایم، زیرا دستاوردهای انقلاب بزرگ ما، خواست مردم قهرمان ما، آرزوی شهیدان جانناز

پایه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت حوادث اخیر کشور

هم میپنانه گرامی!

با کمال تأسف، شاهد آن هستیم که در هفته‌های اخیر چرخشی در اوضاع سیاسی درون کشور پدیدار شد و باین چرخش ضربه دردناک و هراس‌انگیزی به امر اتحاد و یگانگی نیروهای ملی و آزادیخواه وارد آمد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در نامه سرگشاده مورخه سوم مردادماه ۱۳۵۸ خود، با تحلیل جریانات سیاسی در حال رشد آن روز، این چرخش را پیش‌بینی کرد و هشدار داد و با احساس مسئولیت تاریخی از همه نیروهای وفادار به هدفهای انقلاب خواست که در راه جلوگیری از چنین چرخش زیان‌بخشی متحد شوند. با کمال تأسف این ندای حزب ما بی‌پاسخ ماند.

امروز هم ما با جرات می‌گوئیم که اگر نیروهای وفادار به هدفهای انقلاب موفق نشوند به آن نیروهای ارتجاعی که این وضع را به وجود آورده‌اند، لگام بزنند و روند انقلاب ایران را به راه اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی، که در مبارزه برای رسیدن به هدف‌های ضد امپریالیستی، آزادیخواهانه و مردمی انقلاب استوارند، بازگردانند، کمک بزرگی به کامیابی نقشه‌های خائنانه برانداز دشمنان انقلاب به عمل آمده است. ما همیشه در همین جهت کوشیده‌ایم، و اگر چنین واقعه‌ای تاکنون تحقق نیافته، علی‌رغم میل ما بوده و مسئولیت آن باکسان نیست که در این راه گام مؤثر برداشته‌اند.

دشمنان انقلاب ایران، یعنی امپریالیست‌ها، و در پیشاپیش آنها امپریالیسم قهار آمریکا، و صهیونیست‌ها و همدستان ایرانی‌ان‌ها - یعنی بازمندان رژیم سیاه پهلوی و سرمایه‌داران و زمین‌داران وابسته، که بخشی از امتیازات غارتگرانه خود را از دست داده و بخش دیگری را در معرض خطر می‌بینند - همیشه تلاششان در این جهت بوده و هست که با ایجاد چند دستگی و اختلاف و برخورد، تا حد برافروختن جنگ خانگی و تحریک‌گردان‌های گوناگون جنبش انقلابی به زد و خورده و برادرکشی، جنبش انقلابی میهن ما را تقسیم کرده و از سمت‌گیری اصلیش، یعنی مبارزه علیه دسیسه‌های امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع داخلی منحرف سازند و اعتبار و حیثیت انقلاب را متزلزل و شرایط را برای بازگشت ضد انقلاب آماده سازند.

ما در نامه سرگشاده نامبرده یادآور شدیم که ضدانقلاب تمام تلاش‌های جنایت‌بار خود را از یکسو زیر پوششی از عوام‌فریبی مذهبی و از سوی دیگر زیر ماسکی از چپ‌نمائی و سوء استفاده از مسئله حقوق ملی خلق‌ها در ایران متمرکز ساخته است و با برنامه‌ای دقیق می‌کوشد نیروهای ضد امپریالیستی را از این دو سمت به‌جان هم اندازد. متأسفانه باید اذعان کرد که بسیاری از نیروهای وفادار به انقلاب به‌جای تمرکز نیروها در جهت سخت‌گیری اصلی انقلاب، مسائل فرعی را مطرح ساختند.

رویدادهای هفته‌های اخیر نشان می‌دهد که ضدانقلاب در راه رسیدن به هدفهای خائنانه خود به کامیابی بزرگی رسیده و توانسته است جنبش انقلابی میهن ما را با بحرانی جدی روبرو سازد و به خود مشغول کند.

به هر تقدیر، ما امروز در مقابل این واقعیت هستیم که از یک سو حمله وسیعی از طرف نیروهای انحصار طلب راست برای سرکوب آزادی و در درجه اول آزادی نیروهای راستین انقلابی چپ و حتی بخشی از نیروهای انقلابی که زیر پرچم اسلام مبارزه می‌کنند، آغاز شده و از طرف دیگر کردستان به صحنه‌ای از جنگ داخلی و برادرکشی مبدل گشته است.

در آن بخش که مربوط به جلوگیری از انتشار قسمتی از مطبوعات و محدود کردن فعالیت عده‌ای از گروه‌های سیاسی است، این‌طور گفته می‌شود که گویا این حمله برای جلوگیری از فعالیت ضدانقلاب است. متأسفانه واقعیت مؤید کامل این ادعا نیست. درست است که درباره بخشی از روزنامه‌های توقیف شده و گروه‌های

سیاسی هوادارشان. دعاوی دادستان تهران صدق می‌کند، ولی در مورد بخش دیگری از این مطبوعات و سازمان‌های سیاسی، از جمله حزب توده ایران و روزنامه مردم و سایر روزنامه‌های وابسته به حزب توده ایران، واقعیت درست در جهت مخالف این دعاوی است. حمله وسیع به سازمان‌های حزب توده ایران در سراسر ایران، توقیف روزنامه مردم، ارگان مرکزی حزب ما، بازداشت، شکنجه و ضرب و جرح دهها و دهها نفر از هواداران حزب توده ایران در قصر شیرین و کرمانشاه و شهرهای دیگر غرب، بازداشت و اعدام بی‌رحمی و محاکمه دوتن از هواداران حزب توده ایران که به تصدیق اکثریت مردم کرمانشاه کوچکترین رابطه‌ای با گروه‌های افراطی و جریانات کردستان نداشته‌اند، همه نشان می‌دهد که هدف واقعی نیروهای انحصار طلب راست به هیچ وجه ضدانقلاب، یعنی عمال امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع سیاه رژیم شاه نیست.

حزب توده ایران همواره پی‌گیر ترین مبارز علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و ارتجاع سیاه پهلوی بوده است. ما افتخار می‌کنیم که در دوره‌ای طولانی، حزب ما یگانگی سنگر مبارزان ضد امپریالیسم آمریکا بوده است. محدود کردن فعالیت چنین حزبی کمکی است در جهت بازکردن راه برقراری مجدد تسلط امپریالیسم آمریکا بر ایران. تاریخ نشان داده است که آغاز تسلط همه جانبه امپریالیسم آمریکا بر کشور ما، از کشتار در آذربایجان و کردستان و غیرقانونی کردن حزب توده ایران آغاز گردید.

در این زمینه ما خواستاران هستیم که به کلیه تضییقات علیه حزب توده ایران

پایان داده شود، از روزنامه مردم و سایر روزنامه‌های وابسته به حزب توده ایران و مراکز حزب رفع توقیف به عمل آید، به دادستان‌های انقلاب و مسئولین دیگر شهرستان‌ها دستور داده شود که فعالیت حزب توده ایران را مورد حمایت قانونی قرار دهند و از حملات و تجاوزات گروه‌های افراطی و عناصر ساواک و ارتجاع جلوگیری به عمل آورند. ما خواستار اجرای کامل رهنمودهای امام خمینی در اطلاعیه یازده ماده‌ای مورخه ششم شهریور ماه ۱۳۵۸ درباره تأمین آزادی و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی هستیم.

بخش دیگر مربوط به کردستان است. به نظر ما مسئله کردستان ایران، مسئله دیروز و امروز نیست. مسئله کردستان ایران یک مسئله بفرنج تاریخی، جغرافیائی و ملی است. حزب توده ایران اولین حزب سیاسی ایران است که پس از سرنگونی دیکتاتوری سیاه رضا خان، پایان دادن به محرومیت‌های ملی‌خلق‌های غیر فارسی را در ایران، به‌عنوان یکی از گروه‌های مهم سیاست داخلی ایران، مطرح ساخت و یگانگی راه عقلانی‌گشودن این‌گره را که واگذاری خودمختاری فرهنگی و اداری در چهارچوب رعایت کامل و بدون خدشه تمامیت ارضی، وحدت ملی و مرکزیت قدرت دولتی است، نشان داد. حزب توده ایران اعتقاد راسخ دارد که خلق کرده در ایران تنها در چهارچوب ایرانی آزاد و مستقل می‌تواند به محرومیت‌های ملی خود پایان بخشد. هرگونه کوشش برای پیدا کردن راه حلی خارج از چهارچوب مبارزه عمومی همه مردم ایران برای بدست آوردن استقلال ملی و آزادی و پیشرفت اجتماعی، راهی است خطا، پررنج، پر تلفات و بی‌نتیجه. اکنون دهها سال است که مردم کردستان برای پایان دادن به محرومیت‌ها ی ملی و اجتماعی مبارزه می‌کنند و در این راه تلفات و قربانی‌های فراوان و سنگینی داده‌اند. تجربه همین مبارزات و مبارزات ملی در سایر کشورها به خوبی نشان می‌دهد که از بین رفتن محرومیت‌های ملی خلق‌های محروم در کشوری نظیر ایران تنها در جریان مبارزه برای تأمین استقلال و آزادی برای همه مردم کشور امکان‌پذیر است.

حزب توده ایران بر آن است که خلق‌های محروم ایران تنها از راه هماهنگی با سایر نیروهای ضد امپریالیستی، آزادیخواه و خلقی، تنها از راه تلاش برای ایجاد جبهه متحد نیروهای خلق، از راه مبارزه متحد پیروزمند ضد امپریالیستی و دمکراتیک می‌تواند به محرومیت‌های ملی موجود پایان بخشد.

حزب توده ایران بر آنست که از راه سرکوب و کشتار ممکن است «آرامش» برقرار ساخت، ولی نمیتوان مسئله ملی را نه در کردستان و نه در سایر نقاطی که در آن‌ها محرومیت‌های ملی مطرح است، حل نمود.

حزب توده ایران بر آن است که در حوادث کردستان علاوه بر خواست‌های مشروع خلق‌کرد برای پایان دادن به محرومیت‌های ملی و عقب‌افتادگی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، که محصول رژیم سیاه وابسته به امپریالیسم «شاهنشاهی» است، تحریکات عوامل رنگارنگ امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع نقش مهمی داشته و دارد. این عوامل هم‌اکنون دست اندرکارند که هر لحظه بحران را شدیدتر سازند، با اقدامات تحریک‌آمیز و حادثه‌آفرینی از یک سو و با اشاعه اخبار دروغ و تهبیبی از سوی دیگر بروخامت اوضاع بیفزایند، راه حل‌های مسالمت آمیز را غیرممکن سازند، آب را گل‌آلود کنند و خود از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. باید این نقشه شیطانی عوامل ضدانقلاب را، در زیر هر ماسکی که عمل می‌کند، به دقت دیده و خنثی ساخت. وظیفه تاریخی رهبر انقلاب و همه نیروهای راستین هوادار انقلاب است که بین این دو جریان خط فاصل دقیق بکشند و این دو جریان را که یکی خلقی، مشروع و به‌حق است و دیگری خصمانه، ضدانقلابی و جنایت‌بار، از هم جدا سازند و در مورد هر کدام روش سیاسی جداگانه‌ای برگزینند. این است موضع‌گیری اصولی ما. بر پایه همین موضع‌گیری اصولی حزب توده ایران با توجه به اهمیت موضوع، ضمن ابراز آمادگی در بکار بردن تمام کوشش و امکانات خود برای حل و فصل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان، پیشنهاد می‌گردد:

۱- بی‌درنگ و هم‌زمان، به عملیات نظامی از دو طرف پایان داده شود و آتش‌بس اعلام گردد؛

۲- محاکمه و صدور رای در دادگاه‌های انقلاب کردستان متوقف گردد؛

۳- مذاکرات به منظور پیدا کردن راه حل سیاسی برای رسیدن به هدفهای میهن زیر آغاز شود؛

الف - تأمین خواست‌های به‌حق و مشروع مردم کردستان در زمینه پایان دادن به محرومیت‌های ملی.

ب - تأمین اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی برای ریشه‌کن ساختن و نابود کردن عوامل امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع و رژیم پهلوی در منطقه کردستان و سراسر ایران.

به نظر حزب توده ایران این یگانگی راهی است که به تحکیم، تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران کمک مؤثر می‌رساند و آن را به سمت‌گیری اصلی خود، یعنی سمت‌گیری علیه امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، و صهیونیسم و یازماندگان رژیم سرنگون شده - یعنی همان سمت‌گیری که امام خمینی چه پیش از پیروزی و چه پس از آن همواره بر آن تکیه کرده‌اند - بازمی‌گرداند و شرایط لازم را برای اتحاد همه نیروها، اتحادی که اما خمینی همیشه به‌عنوان شرط عمده برای پیروزی قطعی انقلاب یادآور شده‌اند، فراهم می‌سازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۶ شهریور ۱۳۵۸

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت درگذشت نابهنگام آیت الله العظمی سید محمود طالقانی

آیت الله العظمی سید محمود طالقانی، دانشمند بزرگ، مجاهد نستوه، رئیس شورای انقلاب از میان ما رفت و جامعه ما در غمی بزرگ فرو برد. تاریخ ایران چنین سوگواری عظیم و پردردی را بیاد ندارد. در تاریخ جهان نیز چنین سوگ بزرگ و عمیقی کم نظیر است.

علت این همه محبت مردم به آیت الله طالقانی چیست؟ پاسخ این پرسش را باید در عقاید و اندیشه های روشن طالقانی و در صداقت و بی گیری او در جبهه با خطرات معتقداتش جست و جو کرد. او تمام عمر در راه مردم، علیه هر گونه استبداد و استعمار رژیم، او اهمیت واقعی اتحاد نیروهای انقلابی را زیر رهبری امام خمینی درک کرد و با تمام قوا کوشید تا این نیروها را بهم نزدیک سازد، پلی میان آنها ببندد، حلقه رابط و تحکیم کننده اتحاد نیروها باشد.

آیت الله طالقانی یکی از روشن بین ترین رهبران انقلاب کنونی ایران بود که معنای انقلاب را با عمق تمام درک کرده، حاضر نبود خود را با کلیات دلخوش کند. اومی گفت:

همه می گوئیم انقلاب اسلامی. بپرسید هدف چیست؟ هنوز مشخص نشده است... برنامه علی برنامه قبل از انقلاب مدینه بود. نه مثل ماسلمان ها که اول انقلاب کردیم و حالا می نشینیم که برنامه معین کنیم.

خود آیت الله طالقانی از کسانی نیست که ندانند هدف انقلاب چیست. او برنامه انقلاب اسلامی را از قبل برای خود روشن ساخته و سالها با بی گیری آنرا دنبال کرده بود. او خواستار استقرار جامعه عدل و قسط بود. اومی خواست که:

نظامات فاسد و فاصله ها فروریزد... ترکیب اجتماعی جدیدی به وجود آید، یعنی اجتماعی انقلابی، اجتماعی پیش رو... برای طالقانی همه این مفاهیم معنای دقیق و روشن اجتماعی داشت. او درباره تاریخ تکامل جامعه بشری می گفت:

سر رشته پول که به دست طبقه های می آید، سر رشته های سرمایه انسانی و طبیعی و حکومت هم به دنبال آن به دست همین طبقه قرار می گیرد... وحدت و یگانگی اجتماعی مبدل به تفرقه و اختلاف و طبقات متضاد می گردد. طبقه محروم و بی نوا در برابر طبقه مالک و متصرف در اموال و نفوس، که حکومت را در دست دارند، صاف بندی می کنند. طالقانی این «صاف بندی» طبقاتی و قیام مردم محروم را تایید می کرد و حتی قیام مانی و مزدک را می ستود. در نظر او همه قیام های طبقات محروم و ملل ستم دیده در هر نقطه جهان و صرف نظر از این که زیر چه پرچمی باشد، اسلامی است:

در انقلاب علیه ظلم و استبداد و علیه استثمار، در هر جای دنیا که باشد، همیشه در نظر ما یک انقلاب اسلامی است.

در این انقلاب اسلامی که به گفته طالقانی موافق برنامه علی بن ابی طالب است:

«خود خواهانی که برگردد مردم سوارند باید به زیر کشیده شوند، مستکبرین خود خواه و سرمایه داران غارتگر باید دنبال کارشان بروند، گرچه طلحه و زبیر باشند».

در ترکیب جدید اجتماعی، جایی برای این سرمایه داران غارتگر و ملاکین و مستکبرین نیست. آیت الله طالقانی از «قدرت کارگری» که در دل دستگاه صنعتی نطفه می بند و به یک قدرت فعال بدل می شود سخن می گفت. در جامعه اسلامی مورد نظر آیت الله طالقانی قدرت باید در دست مردم باشد، مردمی که در شوراهای متشکل می شوند: «مسئله شوراها یکی از اساسی ترین مسائل اسلامی است... بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند. این مردم هستند که کشته داده اند، جامعه مورد نظر آیت الله طالقانی جامعه ای است آزاد، که در آن جایی برای هیچ نوع استبداد و خفقان نیست. او با احساس درد به یاد می آورد که:

«ادیان پس از انحراف از احتوا دعوت داعیان به حق و دور شدن از سرچشمه تعالیم پیغمبران به حق، وسیله ای برای ستمگری و ظلم و حق کشی شده اند».

او هشدار می داد که حساب این تعالیم را از سوء استفاده کنندگان جدا کنیم و مراقب باشیم که امروز یک بار دیگر چنین نشود:

«اگر برنامه علی در انقلاب اسلامی ما پیش نرود، باید به طور یقین بدانید که به جای اول بر خواهیم گشت».

طالقانی می گفت:

«اسلام دین سعه صدر و بینش وسیع است. کتاب ما برای همه بشر است».

اما ناگاهان کار را خراب می کنند. طالقانی در خطبه ای که روز هفدهم شهریور در بهشت زهرا خواند و باید گفت که وصیت نامه اوست، از «استبدادی که زیر پرده دین» عرضه می شود، نالید و آن را «خطرناک ترین تحمیلات» نامید و گفت:

«هنوز مردم مستضعف ما باور نمی کنند که رسالت اسلام و انقلاب ما آزادی است. چون کم تر عمل دیده اند».

آیت الله طالقانی در آنچه در باره سعه صدر اسلام می گفت نیز مانند همه موارد دیگر صادق و صمیمی بود و در زندگی بدان عمل می کرد. او خود آثار مارکسیستی را می خواند و می گفت:

«ما در نفی استثمار و استعمار و دفاع از آزادی با مارکسیست ها عقاید مشترکی داریم. آنچه قبول نداریم اصالت ماده است».

و در مواردی هم که عقاید مشترک نباشد، طالقانی بحث و تبادل نظر را ممکن و سودمند می شمرد و می گفت:

«دین نظرهای انتقادی خود را (درباره اقتصاد مارکسیستی) عرضه

می دارم و انتظار دارم که اگر اشتباه در فهم و نقد پیش آید هدایت کند».

ویس از ابراز نظر، اضافه می کرد:

«جواب روشن محققین جهان بینی مارکسیسم را انتظار داریم».

چنین بود بزرگواری و سعه صدر دانشمندی که به عقاید خویش و صداقت بیانش اعتماد داشت.

یکی از برجسته ترین خصوصیات آیت الله طالقانی، که محبت و احترام عمیق همه مبارزین راستین انقلابی را برمی انگیزد، اعتقاد غنی او به ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی بود. او نه در حرف، بلکه در عمل تمام نیروی شگرف خود را علیه تفرقه اندازان، از هر طرف که باشند، چه چپ نماهای خرابکار چه راست گرایان افراطی، به کار می برد و با اشاره به وصیت علی بن ابی طالب می گفت:

«مردم نادان این قدر سر به سر هم نگذارید. تقیض عقاید نکنید. کسی که به شما و اسلام سلام می کند، نگویید مسلمان نیست... کاری نکنید که آگاهانه و یا نا آگاهانه از دین اسلام عزیز، اسلامی که همه را از شرکت در پلیدی نجات می دهد، برای ماخرده گیری کنند. گروهی که به نام دین به جوامع و اجتماعات حمله می کنند، آن هائی که کتابها را آتش می زنند... یا مسلمان های نا آگاهند و یا آلت دست».

طالقانی تأکید می کرد:

«اهداف احزاب و جمعیت ها چیست؟ چرا باید مقابل هم قرار گیریم. این مقابله ها و موضع گیری ها، هر چند با حسن نیت باشد، پشت سر آن دست استعمار است... اسلامی که ما می شناسیم اسلامی که از قرآن و سنت پیغمبر سرچشمه گرفته، هیچ گونه آزادی را محدود نمی کند».

اعضای و رهبران حزب توده ایران، که سالها در زندان های رژیم مغفور پهلوی با آیت الله طالقانی هم نجزیر بوده اند، همواره به این خصوصیت پاک و انقلابی وی ارجح می گذاشتند. آنان از علاقه صمیمانه آیت الله طالقانی به اتحاد همه نیروهای انقلابی و احترام از تفرقه، که «شرک» است، خاطرات روشنی دارند.

آیت الله طالقانی فقط به داخل کشور نظر نداشت، او قبل از هر چیز، اهمیت نفوذ فلاکت بار امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، را درک می کرد. تمام عمر پیر و پادشاه او مالامال از نبرد علیه امپریالیسم است. طالقانی به روشنی تمام درک و اعلام می کرد که:

«سرنوشت مردم ایران همان سرنوشت مردم کوبا، سرنوشت مردم فلسطین و سرنوشت همه کشورهای اسلامی است... آنچه نگرانی ایجاد می کند مربوط به عقده های چرکینی است که امپریالیسم به نام اسرائیل و صهیونیسم و آفریقای جنوبی در مناطق حساس جهان، مستقر کرده است».

طالقانی می خواست که جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی ضد امپریالیستی داشته و حامی همه جنبش های رهایی بخش باشد. او صادقانه هوادار صلح بود و جنگ را جز در مقام دفاع در برابر تجاوز امپریالیستی جایز نمی شمرد:

«مملکت ما کشور علی است... تمام جنگ های علی دفاع بود. آیا این نباید سرمشق برای ما مسلمان ها باشد که به کسی تهاجم نکنیم».

با کمال تأسف و تأثر آیت الله طالقانی دیگر در میان ما نیست. او در یکی از حساس ترین روزها و لحظات انقلاب ایران با چشمی نگران ما را ترک گفت. ما این ضایعه بزرگ و جبران ناپذیر را به همه مردم ایران و به رهبران انقلاب، امام خمینی، و به بازماندگان فقید سعید صمیمانه تسلیت می گوئیم. در شب قدر، که آن قدر برای عزیز بود، طالقانی از شدت هیجان و با احساس خطر نزدیک فریاد بر آورد:

«می خواستم گریه کنم، همان ملتی که آن یگانگی و وحدت و شوری را که داشت، بتدریج تبدیل به خصومت، جبهه گیری و عداوت می کند».

اینک که این بزرگ مرد صدیق و روشن بین انقلاب ایران را از دست داده ایم، بکوشیم تا یگانگی و وحدت را به صفوف خود برگردانیم و از جبهه گیری و عداوت بپرهیزیم. ما بارها تصریح کرده ایم که رکن اصلی مشی انقلابی حزب توده ایران، تحکیم صفوف نیروهای انقلابی در برابر خطر ضد انقلاب و تحریکات و توطئه های امپریالیسم، صهیونیسم و عمال آن هاست. ما بارها تصریح کرده ایم و باز هم تصریح می کنیم که پیشنهاد تشکیل جبهه متحد خلق، که حزب ما مطرح می کند، خصلت زودگذر تاکتیکی ندارد. میان نظریات ما و نظریات رهبرانی چون طالقانی وجوه مشترک فراوانی موجود است که امکان همکاری عملی و صادقانه را برای حفظ، تحکیم و گسترش انقلاب فراهم می کند.

ما از جانب خود با تمام قوا در این راه می کوشیم و یک باردیگر دست اعتماد خود را به سوی تمام نیروهای صدیق انقلابی، به سوی تمام پیروان آیت الله طالقانی و به سوی کسانی که به رهبری قاطع امام خمینی در نبرد برضد امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی و برای استقلال و آزادی و عدالت در می بین ما معتقدند، دراز می کنیم. بیائید روی آنچه که میان ما مشترک است، تکیه کنیم و صفوف خود را در برابر توطئه های امپریالیسم و برای دفاع از انقلاب ایران متحد سازیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۴۰ شهریور ماه ۱۳۵۸

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار هم، جز تکیه به اینکه فرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه ای مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نا دقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری بسیار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند. با سپاس «مردم»

کارگران شرکت ساختمانی پودونک حقوق و مزایای خود را میخواهند

شرکت ساختمانی پودونک در نزدیکی پل فسا واقع است. حدود ۸۰ نفر از کارگران این شرکت، که اکثراً بین ۱۸ تا ۳ سال سابقه کار دارند، خواهان دریافت مزایا و حقوق خود هستند. این شرکت، بنا بر گفته یکی از کارگران، به صاحب دیوانی تعلق داشته است، که از ایران فرار کرده و یکی از نزدیکان شاه سابق بوده است. شرکت مزبور ۹ ماه است که تعطیل و در حال حاضر در تصرف دولت است.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت سالگرد ۱۷ شهریور جمعه خونین

بقیه از صفحه ۴

ما، در معرض خطر عظیمی قرار گرفته است.

رژیم سرنگون شده ولی نبود نشده، امپریالیسم ضربت دیده ولی از پای در نیامده و با تمام نیروی امریمنی خود و با تمام صهیونیسم و با زمانندگان رژیم پهلوی را در تفرقه افکنی یون نیرو های انقلابی، در زیر پا گذاشتن دستاوردهای انقلاب خنثی سازیم. با خواست تشکیل جبهه متحد خلق برای دفاع از دستاوردهای انقلاب، برای ریشه کن ساختن سلطه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم و نا بود. باختن بقایای رژیم پهلوی، برای تأمین و تضمین استقلال ملی و آزادیها و حقوق دمکراتیک، برای نوسازی اقتصاد ملی در جهت تحکیم استقلال اقتصادی و بهبود زندگی زحمت کشان، برای تأمین و تضمین حقوق ملی خلقهای ایران در چارچوب ایران واحد و حفظ تمامیت ارضی کشور - یعنی همان خواسته های که از جانب امام خمینی به عنوان محتوای جمهوری اسلامی ایران اعلام شده است - در مراسمی که به مناسبت یادبود ۱۷ شهریور - جمعه خونین - برگزار می شود، شرکت کنیم

جاودان باد خاطره تابناک شهیدان ۱۷ شهریور!

بوقراریاد جبهه متحد خلق در دفاع از دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۵ شهریور ماه ۱۳۵۸

در سالگرد جمعه خونین، در تحلیل از خاطره تابناک شهیدان،

اتحاد شوروی بامداخله هر کشور خارجی در امور داخلی ایران مخالف است

مجموعه سخنان لئونید برژنف دبیر کل حزب کمونیست و صدر هیئت رئیس شورای عالی اتحاد شوروی درباره انقلاب ایران سیاست خارجی دولت شوروی نسبت به ایران نوین و انقلابی درجلد هفتم مجموعه آثار رهبر شوروی انتشار یافت.

لئونید برژنف گفته است: اتحاد شوروی با قاطعیت تمام اعلام میکند که بامداخله هر کشور بیگانه در امور داخلی ایران، پسر شکل و پسر بهانه‌ای که باشد، مخالف است. در این کشور حوادث صرفا داخلی روی میدهد و مسائل مربوط باین وضع باید توسط خود ایرانیان حل شود. همه کشورها باید حق حاکمیت و استقلال ایران و ملت ایران را محترم بشمارند.

درجلد هفتم مجموعه آثار برژنف آمده است: فقط دشمنان ترقی مایل نیستند که ریشه‌های ملی این دگرگونیها را ببینند. هنگامیکه رژیمهای پوسیده گوش بفرمان آنها از پای بست فرو میریزند، آنها هر کس و هر چیز، یعنی هم کشورهای سوسیالیستی، هم تشنج زدانی و حتی عقاید مذهبی را مقصر و مسبب این جریان می‌شمارند. حال آنکه در واقع اگر نیروهای خارجی مقصر این امر باشند، باید همانا امپریالیسم و همدستان آنها نام برده شوند. این همان نیروهای هستند که با تمام قوا میکوشند رژیمهای ضد مردمی و خونخوار و مستمکر را حفظ کنند. همین نیروها در امور داخلی دیگر کشورها مداخله میکنند.

لئونید برژنف پیروزی انقلاب ایران را مورد توجه خاص قرار داده و آنرا انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی و رهایی بخش ملی توصیف کرده و خط مشی کلی سیاست خارجی شوروی را نسبت به ایران نوین مشخص می‌سازد.

وی تاکید کرده است: ما هم مانند دیگر طرفداران واقعی صلح، ترقی و استقلال ملت‌ها، پیروزی این انقلاب را شادباش می‌گوییم، زیرا این انقلاب رژیم مستبد و ظالم، رژیمی را که بر اثر سیاست آن، کشور مورد استثمار قرار گرفته و بصورت تکیه‌گاه امپریالیسم خارجی درآمده بود، سرنگون ساخت.

ما موفقیت و پیشرفت و شکوفایی ایران نوین انقلابی را آرزو مندیم و امیدواریم مناسبات حسن همجواری موجود میان ملت اتحاد شوروی و ایران در شرایط تازه و بر اساس استواری تحکیم و گسترش یابد.

(نقل از روزنامه کیهان مورخ ۸ مهرماه ۱۳۵۸)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد اجلاس سالانه خود را آغاز کرد

هفتم مهرماه، مباحثات پیرامون مسائل سیاسی عمومی در این مجمع آغاز گردید. در هفته گذشته برنامه کار ۱۲۵ ماده‌ای که در این اجلاس به مجمع عمومی مورد بحث و بررسی قرار میگردد، بتصویب رسید. مسائل مهمی که باسروشت همه خلقهای جهان ارتباط دارند، یعنی مسئله مربوط به جلوگیری از جنگ هسته‌ای، مهار کردن مسابقه تسلیحاتی، تقویت مبانی صلح و امنیت جهانی - و بنابه پیشنهاد دولت اتحاد شوروی - عقد پیمان منع کامل و همه جانبه آزمایشهای سلاحهای هسته‌ای، عهدنامه بین‌المللی برای تضمین امنیت کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای و مصونیت آنان از تجاوز هسته‌ای، منع برنامه ریزی و تولید جنگ‌افزارهای جدید کشتار جمعی، پایان بخشیدن به بقایای استعمار و نژادپرستی، از جمله مسائل مهمی هستند که در برنامه کار اجلاس کتونی مجمع عمومی سازمان ملل متحد جای دارند.

در اجلاس کتونی مجمع عمومی مسایل مربوط به اوضاع قبرس، بحران خاورمیانه و پشتیبانی از مبارزه خلق عرب فلسطین بخاطر تحقق حقوق ملی این خلق مورد بحث و بررسی نمایندگان قرار خواهد گرفت.

کوشش‌های دولت دمکراتیک افغانستان در راه ریشه کن کردن بیسوادی

اکنون در روستاها و شهرهای افغانستان بنای ۶۷۰ آموزشگاه جدید در دست ساختمان است. طی دورانی که از انقلاب دمکراتیک در این کشور میگذرد، از جانب وزارت آموزش و پرورش جمهوری دمکراتیک افغانستان، متجاوز از نصد میلیون افغانی برای رفع نیازمندیهای آموزشی بمصرف رسیده است.

رهبر سپاه پوستان آمریکا سیاست تجاوزگرانه اسرائیل را محکوم میکند

جوزف لورینک، یکی از رهبران سپاه پوستان آمریکا، که در راس هیئتی به خاورمیانه مسافرت کرده است، عملیات تجاوزگرانه اسرائیل نسبت به خلقهای عرب را محکوم کرد. لورینک خواستار برقراری تماس با سازمان آزادیبخش فلسطین شد. وی گفت که در این مسافرت، طبق شواهد زنده، یقین حاصل کرده است که اسرائیل باسلحه آمریکایی آمابجای غیرنظامی در لبنان را ویران میکند و در راه نابودی رزمندگان فلسطین میکوشد.

همکاریهای اقتصادی جامعه کشورهای سوسیالیستی

سختگوی دبیرخانه شورای همیاری اقتصادی کشور های سوسیالیستی اعلام کرد که کشورهای عضو این سازمان اقتصادی بین‌المللی قصد دارند میزان تولید نیروی برق را طی ده سال آینده دو برابر افزایش دهند. طی دهه اخیر میزان تولید برق در این کشورها به صد میلیارد کیلووات ساعت افزایش یافته، در حالیکه در کشورهای عضو بازار مشترک در این دوره میزان تولید نیروی برق ۳۰ میلیارد کیلووات ساعت بوده است.

«مردم» روزانه شد

هموطنان! رفقای حزبی! همسوادان و دوستان حزب!

با آغاز سی و نهمین سال تاسیس حزب توده ایران، روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب، بغیر از روزهای تعطیل، روزانه منتشر میشود. انتظار داریم که با کمک معنوی و مادی به «مردم» و بویژه بخش هرچه وسیعتر آن، به انجام وظایف خطیری که «مردم» در پیشبرد مشی حزب و در دفاع از انقلاب بزرگ مردم ایران بر عهده دارد، یاری رسانید.

«مردم»

دولت موقت در مبارزه میان مالکان و دهقانان باید حامی دهقانان باشد نه مالکان

در روستای «ده عباس»، یکی از روستاهای سنقر کلیائی (از استان کرمانشاهان)، بین دهقانان و مالک آنجا درگیری پیش آمده بود. اختلاف بر سر این بود که دهقانان خواستار بازگرداندن زمینهای بودند که در زمان رژیم منور شاه بعنوان «چهاریک» از آنها گرفته شده و به مالک داده شده بود. دهقانان همچنین خواستار تخصیص محصول اسل این زمینها به کسانی بودند که روی این زمینها کار کرده و برای بارآوری محصول آن زحمت کشیده‌اند. برای حل این اختلاف، از سنقر تعدادی از افراد کمیته به ده عباس آمدند ولی متأسفانه بجای جانبداری از دهقانان در برابر مالک و کوشش برای حل اختلاف پسود زارعین، که وظیفه اصلی کمیته‌های انقلاب است، به‌خواست بر حق دهقانان توجهی نکردند و این امر کشمکش‌هایی را موجب گردید.

دهقانان روستای «ده عباس» و روستاهای اطراف آن خواستار آن هستند که دولت تقاضاهای مشروع آنان را بر آورد و حقوق از دست رفته آنها را بازگرداند. دهقانان بحق از دولتی که بر اثر سرنگونی رژیم منور وضید مردمی پهلوی بر سر کار آمده، توقع دارند که در مبارزه های حق طلبانه میان آنها و مالکان، جانبدار آنان باشند.

مسئله زمین یکی از عمده ترین مسائل غرب کشور است. باید هر چه قاطعتر و سریعتر باین مسئله برای یافتن راه حل نهایی آن توجه شود. این راه حل تنها یکی است: واگذاری زمین بخود دهقانان و کوتاه کردن دست مالکان. کمیته‌های محل هنگامی شایسته نام انقلابی خواهند بود که از دهقانان زحمتکش دفاع کنند جلو زورگویی مالک را بگیرند و از حق مسلم وی چون و چرای دهقانان به داشتن زمینی که روی آن کار میکنند و محصولی که ثمره کار خودشان است، پاسداری کنند.

رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و ...) منتشره در «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، را با استفاده از تمام امکانات، بوسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است.

لیخند رفیقانه‌ای بر چهره‌اش نشست.

ع.ج. که بدلیل خصلت ضد امپریالیستی مشی حزب ما، تصمم به آغاز يك همکاری صمیمانه با ما، گرفته است، ضمن يك نامه، از توطئه‌هایی که مدتیست ضد انقلاب و نیروهای سازشکار بر علیه انقلاب مائادارک دیده‌اند و به انحاء مختلف چهره کثیف و خود فروخته خائنی چون بختیار را تطهیر میکنند، پرده برداشته است. در این زمینه ما در «مردم» بسیار سخن گفته‌ایم و افشاگریهای اخیر نیز که از جانب مقامات مسئول صورت گرفته حقایق بیشتری را در این جهت مطرح ساخته است، ولی آنچه در نوشته دوست ماونیز در افشای وقایعی که در جریان روی کار آمدن بختیار رخ داد، جلب توجه میکند، کوشش خستکی ناپذیر برخی از «همرزمان» (وظاها مخالفان) بختیار برای تحقق نقشه شوم امپریالیسم و نیز تاسف خوری از شکست چنین توطئه‌ای است. یکی از این آقایان، طبق افشاگریهای مقامات مسئول، در زمان روی کار آمدن بختیار از هیچگونه «فداکاری» دریغ نمیکرد، و دیگری، طبق نوشته دوست ما، در مصاحبه با مجله امید ایران (ویقول دوست ما «امید آمریکا») «شجاعت و شهامت، وی را در تصمیم‌گیری بی‌حد و حساب، ستوده و از اینکه «کشور ما مردی مثل او را از دست داده (!) تاسف میخورد». باید افزود که این رویه «همرزمان بختیار» نه امری بی‌سابقه است و نه تعجب انگیز.

برخی از اینان چه در دوران مصدق و چه در دوران انقلاب اخیر ماناییگیری خود را در مبارزه با امپریالیسم و دلبستگی خود را به حفظ دربار و شاه و نیز دشمنی و ستیزه جویی خود را بانروهای راستین ضد امپریالیست همچون حزب توده ایران بکرات نشان داده‌اند. بهنگام حکومت دولت دکتر مصدق هم اینان بودند که بجای مبارزه با دربار و امپریالیسم آمریکا، حمله به حزب توده ایران را، که غیرقانونی بود، در سرلوحه شعارها و اعمال خود قرار دادند و پس از آنکه تاج و تخت سلطنت با توطئه امپریالیسم و «بیطرفی» اینان ایفا گردید، هم آوا با «خدایگان اعلیحضرت ارواحفداء» توده‌ایبار «خائن» به منافع مردم خواندند. در طول این ۲۵ سال مبارزه، که هیچگاه زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم شاه از توده‌ایها خالی نبود، «سجده بر خاکهای مبارک ملوکانه» بردند و تنها زمانی که غرض رعد آسای انقلاب بساط تاج و تخت را به برچیدن تهدید کرد، به این اندیشه افتادند که «شاه باید سلطنت کند نه حکومت» و سرانجام نیز زمانی به دور شدن «ظل‌الله» از سر خود رضا دادند که «اعلیحضرت قدر قدرت قوی شوکت» را ملت از کشور بیرون رانده و در تدارک ایجاد حکومت مورد نظر خود بود. پس از انقلاب نیز این آقایان به انحاء مختلف در امر گسترش انقلاب کار شگنی میکنند، «مشروطه بدون شاه» طلب میکنند، «قوانین گذشته را تا وقتی لغو نشده به قوت خود باقی» میدانند، راه خلاصی مملکت را از بحران کنونی، دعوت غارتگران فراری به کشور میدانند، در سخنرانی‌های خود از امپریالیسم آمریکا که باعث نابودی اقتصاد و کشور ماست، اصولا اسمی نمینورند، «بررسی» قراردادهای خانمان بر انداز و غارتگرانه با امپریالیسم آمریکا را آنقدر بطول میکشاند تا شاید آنها را برای بار دیگر ایفا کنند و حتی يك لحظه نیز از دشنامگویی، بهتان‌زنی به حزب توده ایران، که ۳۸ سال پیگیرانه علیه امپریالیسم رژیمه است، فروگذار نمیکند. و برآستی اینان چرا نباید «شهامت» بختیار را بستانند که راه آنان را بگیرتر رفت و چرانیاید از شکست توطئه امپریالیسم افسوس بخورند که حنای فریب اینگونه عناصر را بکلی بیرنگ ساخت؟ باتشکر از ع.ج. خواستاریم که همکاری خود را با ما ادامه دهند.



در مدت یکماه و اندی که «مردم» در توقیف بدون دلیل و غیرموجه بسر میبرد، طبیعتا دوستان «مردم» نیز نتوانستند انعکاس نامه‌های خود را در مردم و «مردم» مشاهده کنند. ولی این امر مانع از آن نبود که سیل نامه‌های دوستان به آدرس «مردم» سرازیر نشود و دوستان ما را از اخبار و وقایع کشور، نظریات و تحلیل‌های خود آگاه سازند. هر چند بسیاری از مطالب نامه‌های رسیده دیگر اکنون کهنه شده است، ولی هر يك از آنها روح همبستگی آگاهترین و دلسوزترین مردمان را در مبارزه بخاطر استقلال و آزادی منعکس می‌سازد، در تکرارهای مبارزان ضد امپریالیست، ضد استبداد و ارتجاع از توطئه‌های امپریالیست و مرتجعین شرکت میجوید، حقایق ما را در مبارزه سترگمان یاد آور میشود و بر نیرو، شور و امید مامی‌افزاید. این نامه‌ها پیمان نامه‌های اتحاد، مبارزه پیگیر تا آخرین نفس بادشمن غارتگر و توطئه‌گر، عشق به انسانیت و سعادت مردم‌اند. این نامه‌ها عظمت و دشواری راه سترگی را که حزب ما در مدت ۲۸ سال طی کرده به ما یاد آور میشوند و مشحون از ایمان و ایقان به فروغ ابدی این شعله سوزانند. امید است با انتشار مجدد «مردم»، که خود تائیدی بر حقایق و صحت راه «مردم» است، دوستان «مردم» نیز ما را چون گذشته بانامه‌های پر مهر و پر شور خود یاری رسانند.

دوستی با امضای «ناز» در نامه‌اش صحنه واقعی و زیبای از وفاداری، عشق و همبستگی زحمتکشان را به حزب خود، حزب توده ایران بیان داشته است. حزبی که زحمتکشان، آنهنگام که آنرا میبایند، تاپای جان بدان مومن باقی میمانند، بهروزی آنرا نیکیبختی خود و سخن آنرا رهنمون زندگی خود میدانند. اینهم نمونه‌ای از ریشه‌های مستحکم حزب مادر میان زحمتکشان: «ناز» مینویسد: «در روز رای گیری برای انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان بود. در یکی از حوزه‌های رای گیری، داشتم نام کاندیداهای حزب را روی ورقه رای مینوشتم که دستی به شانه‌ام خورد. برگشتم. مرد میانسانی بود که چهره و هیات زحمتکشان را داشت. کاغذ تاشده‌ای را که در دست داشت، بمن نشان داد و گفت: «لطفا اینها را برای من بنویس». پیدا بود که سواد ندارد و اسمها را قبلا داده بود برای بنویسد. ورقه رای و کاغذ تاشده‌اش را گرفتم. کاغذ را باز کردم در صدر آن نام رفیق نورالدین کیانوری را خواندم. پس از آن، رفیق احسان طبری و پنج رفیق دیگر. و در آخرم آیت الله طالقانی، آیت‌الله صادق خلخالی و مسعود رجوی. نامها را برایش نوشتم. در تمام این مدت، بادتی عجیب، نوشته‌های مرا با آنچه قبلا داده بود برایش بنویسند، از نظر شکل ظاهر کلمات مقایسه میکرد تا مبادا نام‌های دیگری در ورقه‌اش نوشته شود! وقتی تمام شد، کاغذ و برگ رای را با او برگرداندم. اما شور مقاومت ناپذیری که از ابتدا سراسر وجودم را فرا گرفته بود، سرانجام مرا بر آن داشت تا ورقه رای خود را به او نشان بدم و بگویم: «من هم همین‌ها را نوشته‌ام» نامهای نوشته در برگ رای مرا خوب بر انداز کرد. سر برداشت، بمن نگاه کرد و

چرا ساواکی ها امیدوارند؟

انقلاب از هم متمایز بود و کسانی این صفوف را، منطبق با گرایش های ضد کمونیستی خود، به عمد آشفته و در هم نمی ساختند، اگر دوستان و دشمنان انقلاب مشخص میشدند و کسانی آگاهانه دوستان صادق انقلاب را زیر ضرب نمی کردند و دشمنان قسم خورده انقلاب را از زیر ضرب خارج نمی ساختند، آنگاه چنین نبود که ساواکی ها بدون شرم به جنایات خود درباره کمونیستها بنازند و این جنایات را «خدمت» و نمود کنند.

جوشد کمونیستی کنونی بهر بهانه و پیرشکلی و از جانب هر کس تشدید شود، خواه ناخواه بزبان انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی مردم ایران است، زیرا کمونیستهای واقعی قاطع ترین مبارزان ضد امپریالیست و ضد دیکتاتوری هستند و تبلیغ و اقدام علیه آنها، تضعیف صفوف انقلاب و تقویت ضد انقلاب است. این واقعتاً در لاقبل و بویژه کسانی که نا آگاهانه در این راه گام بر میدارند باید در نظر داشته باشند.

بدینسان ماهیت جنایتکارانه امپریالیسم امریکا لوذ میشود. در چنین شرایطی، ساواکیها بجای آنکه از عواقب اعمال ننگین خود از خشم خلق برخوردار شوند، قوت قلب میبایند، آزادی عمل احساس میکنند، به کمونیست کشی خود افتخار میکنند و انتظار دارند مورد عفو قرار گیرند. در جو مساعد ضد کمونیستی است که این دشمنان سوگند خورده همه انقلابیون، از جمله و بویژه کمونیستها، بر در دیوار شهر شمار های ضد کمونیستی می نویسند، در صفوف تظاهرات و نمایشهای مردم شمارهای ضد کمونیستی فریاد می کشند، در لباس يك انقلابی دو آتفه مذهبی، اسلام را در برابر کمونیسم قرار میدهند و مردم ساده دل را بر ضد کمونیستها تحریک میکنند و در محل کار و زندگی خود علیه کمونیستها، به راحتی تبلیغ میکنند.

بدون تردید، اگر مانند دوران نخستین پس از پیروزی انقلاب، ساواکیها با پیگیری تعقیب، بازداشت، و مجازات شده بودند، اگر گروه گروه آزاد نمی شدند، اگر صفوف انقلاب و ضد

موارد مخفی جرم (۱) در دادگاه مطرح میسازند؟ این درندگان ضد بشر، که رژیم جانورخوی شاه مخلوع بجان مبارزان انداخته بود، به چه جرات جرائم ننگین خود را «خدمت» قلمداد میکنند؟ چرا تهرانی جلاد در دادگاه، آنهمه علیه کمونیستها داد سخن داد؟ چرا نامه نوشت و توصیه کرد که وجود او برای شکجه کمونیستها ضروری است و مصلحت آنست که او رازنده نگاه دارند؟

متأسفانه علت را باید در آن جوشد کمونیستی جست که در راههای اخیر بوجود آمده است. در رادیو و تلویزیون گاه و بیگاه علیه و چپ بطور عام تبلیغ میکنند؛ روزنامه های وابسته به برخی جناحهای حاکم انباشته اند از حمله و اتهام به کمونیستها؛ در بیانات برخی مقامات مسئول حمله به کمونیسم و کمونیستها شنیده میشود؛ در سخنان و نوشته های محافل معینی هر جا صحبت از امپریالیسم امریکا، دشمن عمده خلق ماست، سخن از «سوسیال امپریالیسم»، این اصطلاح رسوای اختراعی مائوئیستها می رود؛ هر گاه صحبت از تجاوز امریکا در میان است، اتحاد شوروی بی سبب مورد حمله قرار میگیرد

در جریان محاکمه چهار نفر از رژیم ساواک متحله، نماینده دادستان مطلبی اظهار داشت که موجب دلگرمی همه مبارزان میهن دوست است. او گفت:

«بعضی از متهمان در دادگاه فکر میکنند که اگر در دادگاه بگویند که ما کمونیستها را میکشیم و با آنها مبارزه میکنیم و به شکنجه آنها میپردازیم، در مجازات آنها تخفیف داده میشود. در صورتیکه چنین نیست، چون آنها نیز در مبارزه با طاغوت از جان خود گذشته بودند و این برای دادسرا ارزش دارد.»

(نقل از کیهان ۴ مهر ۱۳۵۸)

این گفته يك مقام رسمی، در يك مرجع رسمی، موجب نهایت مسرت ماست، زیرا سرانجام در جوشد کمونیستی که برخی ها مصنوعاً ایجاد کرده اند و بدان دامن میزنند، يك مرجع رسمی، بر مبارزه گذشته کمونیستها با طاغوت، مهر تأیید میزند و بر آن ارجحیت میدهد.

اما راستی چرا ساواکیها تعقیب و شکنجه کمونیستها، حسی و تبعید و کشتار آنان را از مفاخر (۱) خود بحساب می آورند، بیشمارانه بآن اعتراض میکنند و آنرا بجنایات

سندیکا یا شورایی؟ یا هر دو؟

بحث درباره تشکیل سندیکا و شورا در کارخانه ها و موسسات تولیدی، از جمله بحثهایی است که در دوران پس از انقلاب اذهان کارگران و برخی سازمانها و گروههای سیاسی را شدیداً بخود مشغول داشته است. مسووفان تشکیل شوراها، ضرورت سندیکاها را مطلقاً نفی و اینطور استدلال میکنند که: «سندیکاها میخواهند در چارچوبی خاص، کارگران را به فعالیت صنفی محدود کرده و حرکت آنان را فقط در حد افزایش دستمزد و اعمال قدرت بر کارفرما، برای کاستن از فشار محوط کار نگه دارند.» و یا، «سرمایه داران در قبال شوراها از سندیکاها حمایت میکنند تا فعالیت سیاسی - ایدئولوژیک اینها را از بین ببرند و حرکت کارگران را در چارچوب صنفی اش شکل دهند.» و یا، «اینان (سرمایه داری وابسته) تلاش دارند تا با تجدید سندیکاهای گذشته، مانع یا گرفتن شوراها، که مناسب ترین نهاد برای جریسانهای کارگری در مرحله فعلی انقلاب است بشوند.» و یا، «سندیکا و طرز تفکر سندیکالیستی برای شرایط امروز مملکت محدود و ناقص است.» و غیره و غیره.

سندیکا چیست و وظایف آن کدامست؟ سندیکاها سازمان های صنفی طبقه کارگرند که از حقوق و منافع مشترک کارگران دفاع میکنند. مبارزه سندیکایی یکی از اشکال مبارزه طبقاتی کارگران علیه تسلط سرمایه است. وظیفه سندیکاها بطور خلاصه عبارتست از:

حمایت از خواستها و مطالبات کارگران در برابر کارفرما، نظارت بر اجرای قوانین کار و بیمه، نظارت بر دستمزدها، جلوگیری از اخراج کارگران، ایجاد صندوق اعتصاب کارگران، تأسیس شرکت تعاونی، رسیدگی به وضع بیمه و بهداشت و وسایل ایمنی، تأسیس کلاسهای یکبار با بسواد، بالا بردن سطح دانش و آگاهی حرفه ای، اجتماعی و سیاسی کارگران، ایجاد کتابخانه و سازماندهی جشنها، اعتصابات و نمایشهای کارگران و غیره و غیره.

این استدلال که سندیکاها بدر نمیخورند، چون فقط سازمانهای صنفی طبقه کارگرند و ذهن طبقه کارگر از فعالیت سیاسی - ایدئولوژیک بازمیدارند، حداقل به دو دلیل صحیح نیست: اول اینکه سندیکاها سازمانهای سیاسی نیستند، ولی مبارزه صنفی کارگران بعلل روشن و معین، غالباً در چارچوب مطالبات صنفی زندانی نمیمانند و کارگران، با آنکه در نخستین گام در برابر کارفرما و در مخالفت با استثمار سرمایه هستند، ولی ناگزیر در برابر دولت قرار خواهند گرفت، که حامی سرمایه و بیابنگر منافع سرمایه داران است. در این مقطع است که مبارزه صنفی به مبارزه سیاسی بدل میشود. دوم - کارگران بر حسب گرایشهای سیاسی خود، فعالیت سیاسی - ایدئولوژیک خود را در احزاب مترکز میکنند و سندیکاها نمیتوانند جانشین احزاب شوند.

برخلاف استدلال مخالفان سندیکاها، سرمایه داران به هیچوجه مدافع سندیکاها نیستند، زیرا سندیکاها از آغاز برای حمایت از منافع طبقه کارگر در برابر سلطه سرمایه و سودجویی سرمایه داران بوجود آمدند و در تمام سالهای موجودیت خود مبارزات درخشانی در راه حفظ منافع طبقه کارگر و علیه سلطه سرمایه انجام داده اند.

و اما شوراها - شوراها دارای وظایفی جدا از سندیکاها هستند. در يك کارخانه شورا در چارچوب دیگری، غیر از سندیکا عمل میکنند. بطور مثال شورا وظیفه افزایش سطح تولید، بهبود کیفیت تولید، نظارت بر قیمتها و نظایر آن را برعهده دارد. برای انجام این وظیفه، کارگران نمایندگان سندیکایی خود را به شورای کارخانه اعزام میدارند، تا آنها نیز مستقیماً در مدیریت کارخانه مشارکت داشته باشند و نمایندگان آنها بیا نگر خواستهای کارگران در موارد پیش گفته باشند.

بدینسان شورا و سندیکا دو نهاد مختلف هستند، که هر يك در چارچوب وظایف خود عمل میکنند، هیچك دیگری را نفی نمیکند و هیچك جانشین دیگری نمیشود. در يك کلام، در يك کارخانه هم میتوان شورا داشت و هم سندیکا.

عده ای چنین استدلال میکنند که چون در گذشته سندیکاها بسود کارفرمایان و در جهت پیشبرد مقاصد رژیم ضد کارگری عمل کرده اند، بدینجهت باید شوراها جانشین سندیکاها شوند. در اینجا به گفته آن کارگر آگاهی استناد میکنیم که در سمینار بررسی اقتصادی گفت:

«اگر در گذشته نام سندیکا شورا بود، حالا هم شورا مورد تشریف بود. نباید با لغات بازی کرد. من هم عضو سندیکا هستم و هم عضو شورا.»

در مطبوعات کشور

اطلاع، اهمیت تعیین کننده پیدا میکنند. رهبری انقلاب باید توجه اول و اصلی خود را متوجه يك و کسترده کردن مجاری اطلاع سازد. (انقلاب اسلامی - اول مهر)

مبارزه امپریالیسم امریکایی با اسلام انقلابی

خواست امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، در مقطع کنونی، برای حفظ منافع اقتصادی و مبارزه با اسلام انقلابی، تقویت نیروهای ارتجاعی و حاکمیت عناصر و جریانهای فر توت و سازشکار است، تا از يك طرف نیروهای اصیل انقلابی را واپس راند، و از طرفی با حاکمیت آن عناصر غیر انقلابی و ضد انقلابی، بعنوان رهبران مکتب انقلابی، بنام مکتب اسلام را از پویائی و محتوای انقلابی اش بیرون آورد.

مبارزه با کمونیسم يك شعار انحرافی است

پسینم بعد از سقوط رژیم منحنط و ضد توحیدی و پیروزی نسبی که بدست آورده ایم، چه کسانی طراح شعارهای انحرافی اند. چه کسانی با استقرار قوانین طراز مکتب مخالفت پنهانی یا صحتی آشکار می کنند. اگر بطور کلی جواب دهیم اینست که این افراد آنها هستند که بهر نحوی از آنها بر موقعیت اجتماعی، منافع اقتصادی و کمال بهره کشی شان در حال انهداد است. پس چاره چیست؟ طرح شعارهای انحرافی و سوق دادن حرکت خلق به کوره راهها، یکی از این شعارهای انحرافی مبارزه با کمونیسم است. این افراد با صرف هزینه ها و کوه عناصر نادان یا مغرض، از کمونیسم در اذهان توده ها غولی هفت شاخ میسازند و بعد با انواع ابزار و وسایل لاذی این مساله تبلیغات و جار و جنجال براه می اندازند.

(امت - ۲۸ شهریور)

می رویم که زیر نظامهای گذشته تأییدهایی می کردیم. (اطلاعات - سومهر)

اتحاد شوروی در حوادث کردستان دخالت ندارد

حجت الاسلام حسین عمادی، نماینده دفتر تبلیغات امام خمینی، در مصاحبه ای با خبرنگاران و نمایندگان خبرگزاری های محلی در کراچی گفت: «آمریکا و اسرائیل محرک اصلی اغتشاشات در کردستان بوده اند نه روسیه شوروی. در حالیکه آمریکا چنین وانمود میسازد گویا شوروی این اغتشاش را برانگیخته است.»

(کیهان - چهارمهر)

مردم - سخنان صریح نماینده دفتر تبلیغات امام در کراچی و همچنین سخنان دکتر مکرری سفیر ایران در شوروی و سخنان آیت اله خلخالی نشان میدهد که اتحاد شوروی - چنانکه بر مردم ایران روشن است - در حوادث کردستان دخالت نداشته و ندارد. این سخنان ضمناً نشان میدهد که چگونه امپریالیسم خونخوار آمریکا در نقاط مختلف کشور ما آتش می افروزد و در همانحال سعی دارد چنین وانمود کند که گویا اتحاد شوروی مقصر بوده است. این سخنان جوپ قاطعی است به آن افراد بی مسئولیت و راست افراطی که میکوشند آمریکا را از زیر ضربه خارج کنند و اتحاد شوروی و کمونیستها را جانشین آن سازند.

منابع اطلاع باید پاکسازی شود

در جهانی که کم و کیف اطلاعاتی که در دسترس رهبران قرار می گیرند اساس تصمیم های کوچک و بزرگ واقع میشوند، در معرض همه گونه خدشه است، منابع

خوانندگان گرامی

خوانندگان مطالب مهم و جالب همه روزنامه ها هر قدر هم که لازم باشد - برای همه کسی مقدور نیست. نه وقت هست و نه امکان. ولی در بسیاری از جراید، خبرها و مطالب مهم و جالبی نوشته میشود و شخصیت ها و دست اندر کاران در زمینه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و غیره اظهار نظرهایی می کنند و آرگانهای مسئول تصمیماتی را منتشر میسازند که آگاهی بر آنها لازمست. خواننده «مردم» میل دارد و حقوق دارد که دستمک با حداقلی از این اظهار نظرها و موضع گیری ها و اخبار، که در سایر جراید انتشار می یابد، آشنا شود. اینست که - بدون ادعای در برگیری همه مطالب - و تنها در همان مرز «حد اقل» و تنها برای بازتاب مسائلی که در جهت عمومی پیشبرد انقلاب است، یا آشنائی با آنها روشن بینی بیشتری برای مبارزه در راه پیشبرد انقلاب میدهد، شمارا بخوانند ستون جدید «در مطبوعات کشور» دعوت می کنیم، ناگفته روشن است که چنین شرطی وجود ندارد که دقیقاً و کاملاً با نظر و عقیده ما تطبیق کند.

خود شما هم بایریدن قطعات روزنامه ها و فرستادن مطالبی که به نظرتان مهم می آید (منتهی هر چه سزیرتر و با ذکر دقیق نام نشریه و تاریخ انتشار) می توانید به ما در تنظیم این ستون یاری رسانید.

نباید زیر پوشش تعالیم اسلامی بر نظام گذشته مهر تأیید زد

داریوش فروهر، وزیر مشاور در ستار برررسی سیاست اقتصادی سخن گفت و تأکید کرد که نباید زیر پوشش تعالیم اسلامی بر نظام گذشته مهر تأیید زد.

فروهر در آغاز سخنان خود گفت: «انقلاب اسلامی ملت ایران دارای ویژگی هایی بود و خواست هایی داشت، مساله استقلال ملی و کلیه وجوهی، استقلال سیاسی، استقلال اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، مساله تأمین آزادی های فردی و اجتماعی مردم، فروهر اضافه کرد، کلیه کسانی که به استقرار جمهوری اسلامی رای داده اند، بی شک اینها را بطور کامل میخواهند، و چنین

اساسی، این باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد